

## فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم اسلامی و علوم انسانی

سال سوم - تابستان ۱۴۰۲ - شماره سیزدهم - ص ۷۹-۱۱۲

### شناسایی عوامل اثرگذار در عزت نفس و خودباوری دانش آموزان ابتدایی

یاسر عظیمی صالح<sup>۱</sup>

داوود سلیمانی منفرد<sup>۲</sup>

ام البنین مداح جلالی<sup>۳</sup>

#### چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل اثرگذار در عزت نفس و خودباوری دانش آموزان ابتدایی صورت گرفت. این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر روش کیفی و از نظر ماهیت و نوع مطالعه داده بنیاد نوظهور می باشد. جامعه آماری مورد پژوهش حاضر دانش آموزان ابتدایی تشکیل می دهند و جامعه مورد پرسش را خبرگان این حوزه که دارای مدرک تحصیلی دکتری تخصصی در رشته علوم تربیتی و مدیریت آموزشی هستند، تشکیل دادند. در مصاحبه با در ۱۲ خبره به اشباع نظری رسیدیم بدین ترتیب حجم نمونه پژوهش حاضر را ۱۲ نفر تشکیل می دهد. روش نمونه گیری پژوهش حاضر از نوع آگاهانه هدفمند است. تجزیه و تحلیل اطلاعات در بخش کیفی بر اساس کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی بود. نتایج پژوهش نشان داد که تعداد ۸۵ شاخص و ۱۴ مؤلفه (عدم اجبار و کنترل دانش آموزان، اعتماد و پذیرش دانش آموزان، دادن فرصت انتخاب و تصمیم گیری، استفاده از مهارت های ارتباطی دموکراسی محور (گفت و گو، مذاکره، تبادل نظر توضیح و تبیین نظرات)، تقویت اقداماتی جهت مهارت های تفکر سطح بالا مانند استدلال، منطق و تفکر، فراهم کردن فرصت و امکانات، تشکیل ساختار و ارائه قوانین شفاف، هدایت گری/ ارائه سرنخ های هدایت کننده (نه مداخله)، ارائه بازخورد، فرآیندگرایی، اختصاص زمان برای در کنار هم بودن، حمایت، همدلی و امنیت) در موضوع شناسایی عوامل اثرگذار در عزت نفس و خودباوری دانش آموزان ابتدایی شناسایی شد.

#### واژگان کلیدی: عزت نفس، خودباوری، دانش آموزان

<sup>۱</sup> طلبه سطح ۲ حوزه علمیه قم، رشته فقه و اصول، مبلغ و فعال فرهنگی، ایمیل: yaserazimi362@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم و قرآنی تفت یزد، معلم (فرهنگی)، ایمیل: davood3660611727@gmail.com

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان - پردیس امام جعفر صادق (ع)، دانشجو معلم، ایمیل:

Madahjalali.o2000@gmail.com

## مقدمه

آموزش و پرورش یکی از سازمان‌های اصلی است که می‌تواند به عنوان یک ستون اساسی در سیستم آموزش و پرورش عمل کند. دانش‌آموزان از عناصر تأثیرگذار جامعه‌ی آینده بوده و به دلیل اهمیتی که برای خانواده و محیط‌های آموزشی دارند، باید بر اساس سطح تحصیلی که مشغول هستند، مورد توجه بیشتری قرار بگیرند. چرا که اگر به دلیل آشنایی نداشتن با عزت‌نفس، خودباوری و شیوه‌های یادگیری، اگر به درستی هدایت نشوند پیشرفت تحصیلی در آن‌ها ایجاد نخواهد شد (حسینی، ۱۳۹۹). عزت‌نفس، ارزشیابی فرد درباره‌ی خود و یا قضاوت‌های شخص در مورد ارزش خود است. این ارزشیابی به صورت احساسی است که انتزاع و شناسایی آن دشوار است زیرا پیوسته تجربه می‌شود و جزئی از هر احساس و دخیل در هر واکنش احساساتی انسان است بنابراین این تصور که یک فرد از خویشتن دارد به طور ضمنی در همه‌ی واکنش‌های ارزشی تجلی می‌شود (اوجی مغانلو و همکاران، ۱۳۹۶). عزت‌نفس از عوامل شخصیتی محسوب می‌شود که از یکسو با رفتارهای شکل گرفته در نظام خانواده و از سوی دیگر با باورها و هیجان‌های مربوط به "خود" در ارتباط است (اماتو و فلور<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲). سیف (۱۳۹۶)، در تعریف عزت‌نفس چنین آورده است: عزت‌نفس نیاز به کسب موفقیت و تأیید یا نیاز به ایجاد تصور مثبت درباره خود و دیگران است. رابسون عزت‌نفس را عبارت می‌داند از حس رضایت‌مندی و خویشتن‌پذیری که از ارزیابی فرد درباره ارزشمندی، قدر و منزلت، جذابیت، شایستگی، کفایت و توانایی جهت ارضای تمایلات و خواسته‌های خود منتج می‌شود (پارکر و بنسون<sup>۲</sup>، ۲۰۲۲). ساندفر و فرانک<sup>۳</sup> (۲۰۲۲)، عزت‌نفس را عبارت از مقدار ارزشی می‌دانند که ما به خودمان نسبت می‌دهیم، این جنبه از خود نیز همانند جنبه‌های دیگر آن از طریق تعاملات با دیگران اکتساب می‌گردد به عبارت دیگر عزت‌نفس مقدار ارزشی است که ما فکر می‌کنیم دیگران برای ما به عنوان شخص قائل هستند. عزت‌نفس کلی، ارزیابی جامعی از خود است و مبتنی بر ارزیابی کودک از اکثر خصوصیات خودش است.

از مهم‌ترین عوامل در رشد مطلوب شخصیت کودکان و نوجوانان، برخورداری از اراده و اعتمادبه‌نفس قوی، خودآگاهی مثبت و سالم، قدرت حل مسئله و تصمیم‌گیری، سلامت فکر و بهداشت روانی و احساس خود ارزشمندی فرد است (احدی، ۱۳۹۹). مشکل تقویت کردن عزت‌نفس به عنوان یک مداخله‌ی انگیزشی این است که تقریباً هیچ یافته‌ای وجود ندارد که نشان دهد عزت‌نفس موجب چیزی می‌شود، بلکه عزت‌نفس را کل موفقیت‌ها و شکست‌ها بوجود می‌آورند. چیزی که باید بهبود یابد عزت‌نفس نیست، بلکه مهارت‌های ما برای پرداختن به دنیا است. مهارت‌های ما در پرداختن به دنیا موجب خواهند شد عزت‌نفس بالاتری را درک کنیم. عزت‌نفس نشان می‌دهد که زندگی چگونه می‌گذرد، اما نه به عنوان یک منبع انگیزشی که به افراد امکان دهد کاری کنند که زندگی خوب پیش برود. عزت‌نفس شبیه شادی است، سعی در شاد بودن باعث نمی‌شود که خیلی موفق شوید بلکه شادی پیامد خشنودی‌ها، پیروزی‌ها و روابط مثبت زندگی است. همین‌طور عزت‌نفس، حاصل عملکرد

<sup>۱</sup> Amato & Fowler

<sup>۲</sup> Parker & Benson

<sup>۳</sup> Sandter & Franck

سازگاران و ثمر بخش خود است. پیامد برآورده کردن آرزوها، هنجارهایی است که فرهنگ حکم کرده است (زاده محمدی و همکاران، ۱۴۰۰).

مشکلاتی که امروزه بسیاری از دانش‌آموزان با آن مواجه هستند، سطح پایین عزت‌نفس آنان است. بنا بر تعریف، عزت‌نفس احساس و باور درونی و پایدار نسبت به ارزش‌ها و توانایی‌های خود است که در ضمیر ناخودآگاه افراد و در دوران کودکی شکل می‌گیرد و البته همه‌ی افراد درجه‌های متفاوتی از عزت‌نفس را دارند (حدادزاده، ۱۳۹۹). از نظر روزنبرگ<sup>۱</sup> (۱۹۶۵)، عزت‌نفس به جهت‌گیری مثبت یا منفی نسبت به خود اشاره دارد (آگیار<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸). ارزیابی مثبت از خود که در قالب عزت‌نفس بیان می‌شود برای بهزیستی ذهنی، مثبت و ضروری است (چا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳). عزت‌نفس به منزله‌ی بیان فرد نسبت به خویشتن و نشان دهنده‌ی این است که فرد تا چه اندازه خود را توانا، ارزنده و پراهمیت می‌داند؛ در واقع عزت‌نفس تجربه‌ای شخصی است که ترجمان آن را می‌توان در سطح گفتار و رفتارهای معنادار مشاهده کرد (مرادی و رضایی دهنوی، ۱۳۹۶). شخصی که از عزت‌نفس بالایی برخوردار است، احساسات خوبی را نسبت به خود و دیگران دارد به راه‌های مختلف ابراز می‌کند، لبخند می‌زند، از نگاه دیگران نمی‌گریزد، راست می‌ایستد و به طور کلی یک «احساس مثبت» دارد. وی بهتر از فردی که احساس بی‌کفایتی می‌کند، یاد می‌گیرد و با اشتیاق و اطمینان از عهده‌ی تکالیف جدید برمی‌آید. عزت‌نفس پایین کارآیی دانش‌آموز را در امور تحصیلی خود دچار مشکل کرده و زمینه‌ی مشکلات دیگری را در آینده‌ی وی ایجاد کند. چراکه آن یکی از ضروری‌ترین عوامل رشد بهنجار شخصیت<sup>۴</sup> افراد است (اسلامی نسب، ۱۴۰۰).

عزت‌نفس از عوامل تعیین کننده رفتار انسان در محیط اجتماعی به عنوان یک سپر و محافظ در مقابل ناسازگاری روان‌شناختی عمل می‌کند و باعث ارزیابی مثبت فرد از زندگی می‌شود (چا<sup>۵</sup>، ۲۰۲۱) که رضایت فرد از خود و احساس ارزشمند بودن را شامل می‌شود (حسینی، ۱۳۹۹). عزت‌نفس یک نیاز اساسی است که در فرآیندهای زندگی نقش مهم و به‌سزایی بر عهده دارد، زیرا به رشد و سلامت و طبیعی بودن فرد کمک می‌کند. از این روز بدون عزت‌نفس مثبت، رشد روان‌شناختی فرد متوقف می‌شود. در حقیقت عزت‌نفس مثل یک سیستم ایمنی آگاهانه عمل نموده و مقاومت و ظرفیت لازم برای زندگی فرد را فراهم می‌آورد. از سوی دیگر عزت‌نفس پایین، انعطاف‌پذیری فرد را در مقابل مشکلات کاهش می‌دهد (طرقی و همکاران، ۱۳۹۹). عزت‌نفس مقدار ارزشی است که اشخاص به خود به عنوان یک فرد نسبت می‌دهند. این جنبه در رابطه بین فردی کسب گردیده، بازتابی از نظر دیگران نسبت به فرد بوده و تعیین کننده چگونگی برخورد او با مسائل مختلف است. به نظر آدلر، راجرز و سالیوان و مازلو کمبود عزت‌نفس عاملی در ایجاد اختلالات اضطرابی می‌دانند (هارتر<sup>۶</sup>، ۲۰۱۹). همچنین پژوهش‌های گسترده نشان می‌دهد که عزت‌نفس با نشانه‌های اضطراب به خصوص علائم

<sup>۱</sup> Rosenberg

<sup>۲</sup> Agyar

<sup>۳</sup> Cha

<sup>۴</sup> personality

<sup>۵</sup> Cha

<sup>۶</sup> Harter

اضطراب اجتماعی ارتباط دارد. عزت نفس درجه تأیید و ارزشی است که شخص نسبت به خود احساس می کند و یا قضاوتی که فرد نسبت به ارزش خود دارد (اسمیت، نولن-هوکسما، فریدکسون و لوفتوس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷).

خودباوری منجر به عزت نفس، رشد اجتماعی، شناختی و پیشرفت تحصیلی می گردد. دانش آموزان مشتاق بیشتر مطالعه می کنند، رضایت تحصیلی بیشتری دارند، بنابراین مفهوم اشتیاق تحصیلی نه تنها به خاطر ارزش خودش به عنوان یک هدف آموزشی، بلکه به خاطر ارتباط منطقی آن با پیامدهای آموزشی بسیار ارزشمند و حائز اهمیت است.

از دیدگاه بسیاری از نویسندگان و صاحب نظران، خودباوری، به عنوان نوعی مهارت شناختی و توانایی حل مسئله تعریف شده است. از دیدگاه زکی (۲۰۲۲)، توانایی تجزیه و تحلیل و بررسی تفکر همراه با ارزیابی برای اصلاح آن، به عنوان گرایش به خودباوری تعریف شده است. در واقع، خودباوری، تفکری است که بر اساس مهارت های خاصی مانند مهارت بررسی دلائل و پیامدها به صورت معقول ایجاد می گردد و به روش علمی و هدفمند به بررسی و تجزیه و تحلیل تمامی اطلاعات و نظرات در دسترس می پردازد. این نحوه تفکر از راه تفسیر، تحلیل، ارزیابی و استنباط به نتیجه می رسد. گرایش به خودباوری را در واقع می توان نوعی مهارت اساسی برای مشارکت عاقلانه دانست که شامل میزان قدرت و توانایی افراد برای ارزیابی و به چالش کشیدن تفکراتشان می باشد.

برای پرورش و توسعه این توانایی، افراد بایستی معیارهای خود را برای تجزیه و تحلیل و بررسی تفکراتشان گسترش دهند و به طور معمول از آن معیارها و استانداردها برای گسترش کیفیت تفکراتشان استفاده کنند (پیت<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۲).

بنابراین می توان چنین عنوان نمود که لازمه رشد و شکوفایی جامعه، آموزش و در نهایت گرایش افراد آن جامعه به گرایش به خودباوری می باشد. چرا که این آموزش و گرایش، منجر به ایجاد انگیزه جهت یادگیری، توانایی و کسب مهارت های حل مسأله، قدرت تصمیم گیری، خلاقیت، نوآوری و یادگیری مشارکتی می گردد. البته بایستی یادآور شد که به منظور پرورش و ایجاد گرایش به خودباوری، افراد جامعه باید تمایلات و گرایشاتی مانند جستجوی واقعیت، تحلیلی بودن و کنجکاوی داشته باشند (زارع و نهروانیان، ۱۴۰۰).

گرایش به خودباوری دارای ابعاد گسترده ای می باشد که گرایش به خودباوری بعد عاطفی- هیجانی آن را شکل می دهد. این بعد مربوط به شخصیت افراد و روش تفکر و مهارت های شناختی آن ها می باشد. افراد دارای این گرایش، می توانند اطلاعات پیرامون خود را بهتر تحلیل و ارزیابی کنند، از اطلاعات تحلیل شده، نتایج درستی را استخراج کنند و مسائل را به صورت منطقی و ملموس تر مورد ارزیابی قرار دهند و نسبت به میزان اطلاعاتشان، تصمیم گیری های صحیح تری داشته باشند (عزیزی و همکاران، ۱۴۰۱).

<sup>۱</sup> Smith, Nolen-Hoeksema, Fredrickson & Loftus

<sup>۲</sup> Pitt

با توجه به اینکه آموزش توسط روش‌های تدریس متکی به معلم نمی‌تواند توسعه خودباوری دانش‌آموزان را پاسخگو باشد و موجب افزایش تمایل و وابستگی دانش‌آموزان به معلم می‌شود، باید تغییرات و نوآوری زیادی در روش‌های آموزشی ایجاد شود. در واقع، نحوه یادگیری و تفکر و نه صرفاً محتوا و محفوظات بایستی به فراگیران به طور صحیح آموزش داده شود. البته فراگیران نیز بایستی ویژگی‌ها و صفاتی داشته باشند که بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد یکی از این ویژگی‌ها و صفات، شناخت انسان از خودش و باورهایش است (لیپمن<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲).

پاسخ به این پرسش که چگونه خودباوری بر تفکر و استدلال افراد و به خصوص دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد زمینه پژوهش‌ها عده زیادی از روانشناسان و متخصصان آموزش و پرورش شده است که در زمینه ماهیت و تحول شناخت کار می‌کنند. خودباوری، میزان باور فرد به این نکته است که تا چه حد می‌تواند کارها و وظایف خود را به طور موفقیت‌آمیز و درست انجام دهد. این باورها، روی گرایش به خودباوری فراگیران تأثیر می‌گذارند. خودباوری، به طور مستقیم انتخاب، انگیزش، پشتکار را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بر استرس دانش‌آموزان تأثیر منفی داشته و موجب کاهش آن می‌شود و از این طریق می‌تواند گرایش به خودباوری را در دانش‌آموزان پرورش دهد (سلیمان‌نژاد، ۱۳۹۹).

نتایج پژوهش‌های شومر<sup>۲</sup> (۲۰۲۰)، نشان می‌دهد که خودباوری با تأثیرگذاری بر میزان مشارکت فعال در یادگیری، استقامت و پایداری دانش‌آموزان و قدرت تحلیل مطالب درسی موجب پرورش عزت نفس دانش‌آموزان شود. در حقیقت، شناخت و قضاوتی که دانش‌آموزان نسبت به خود و در وجودشان شکل می‌دهند، نقش مهم در پرورش و توسعه میزان گرایش آن‌ها به موضوع گرایش به خودباوری دارد. اما با وجود اهمیت و تأثیر فراوان این باورها در پرورش گرایش به خودباوری دانش‌آموزان، بررسی متون و ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که این نقش چندان مورد توجه قرار نگرفته است (هالپرن<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲).

قنبری‌هاشم‌آبادی و شهابی (۱۴۰۱)، بیان می‌دارند که خودباوری و نحوه تفکر افراد در مورد خود آنقدر مهم است که به یقین می‌توان گفت یکی از عوامل مهم و حیاتی برای رشد فکری و ذهنی افراد است و همچنین دارای تأثیرات مهمی در اهداف، نگرش‌ها، نحوه تفکر و آینده‌نگری افراد و به ویژه دانش‌آموزان می‌باشد. هیچ کس نمی‌تواند نسبت به داوری خود درباره خویشتن بی‌تفاوت باشد و به نظر می‌رسد که خودباوری افراد بر تفکر انتقادیشان تأثیر می‌گذارد و متفکران نقاد، از خودباوری بالاتری برخوردارند.

بدون تردید، یکی از اهداف و وظایف آموزش و پرورش، آماده کردن دانش‌آموزان برای پذیرفتن و درک تحولات علمی دنیای آینده است. باوجود این، مهم‌ترین هدف آن، شکوفا کردن کامل شخصیت دانش‌آموزان و پرورش ارزش‌های متعالی است. برآوردن این نیاز که چندان آسان نیست، مستلزم گسترش آموزش و پرورش و به کارگیری شیوه‌هایی است که بر یافته‌های علمی، عقلی و اصولی مبتنی باشد تا افراد متخصص موردنیاز جامعه را تربیت کند. آینده هر جامعه‌ای به کیفیت و کارایی آموزش و پرورش آن جامعه بستگی دارد و بازدهی نظام آموزش و پرورش هر کشور به شناخت عوامل مؤثر در

<sup>۱</sup> Lipman

<sup>۲</sup> Shoomer

<sup>۳</sup> Halpern

کیفیت تدریس و استفاده از شیوه‌های نوین تدریس وابسته است (عباسی اصل و همکاران، ۱۳۹۸). امروزه به علت گذر از مرحله‌ی مدرنیسم، ساختار آموزش در آستانه‌ی تحول تاریخی و جدا شدن از شرایط کنونی آن است. نظام آموزشی به دلیل ضرورت سازگاری با تحولاتی که در همه‌ی عرصه‌ها شاهد آن هستیم، ناگزیر به بازنگری در فرایند آموزش و یادگیری است؛ زیرا استفاده از روش‌های سنتی مانند سخنرانی محض، زمینه‌های لازم برای رشد اجتماعی و شخصیت دانش‌آموزان را فراهم نمی‌کنند و تربیت دانش‌آموزانی غیرفعال متکی بر محفوظات نمی‌تواند آنان را برای دنیای پیچیده آینده آماده سازد (سپهریان آذر، ۱۳۹۵). امروزه موضوع روش‌های آموزشی فعال، یادگیری فعال و یادگیرنده فعال جایگاه ویژه‌ای در مباحث تربیتی پیدا کرده است (بهات و راجشر، ۲۰۱۷). به اعتقاد کارشناسان تعلیم و تربیت، دانش‌آموزانی که از طریق یادگیری فعال به یادگیری می‌پردازند، نه تنها بهتر فرامی‌گیرند بلکه از یادگیری لذت بیشتری هم می‌برند؛ زیرا آن‌ها به جای اینکه شنونده صرف باشند، فعالانه در فرآیند یادگیری مشارکت می‌کنند و خود را مسئول یادگیری خویش می‌دانند. در فعالیتهای مشارکتی، یادگیرنده استقلال خود را حفظ می‌کند و به روابط بسیار مثبت‌تر با هم‌تایان و موفقیت علمی بالاتر دست می‌یابد. در چنین رده‌هایی، اهداف بر مبنای موفقیت برنامه‌ریزی شده اند و یادگیرنده به اولویت‌ها و ارزش‌هایی که به وسیله‌ی معلم و فشار اجتماعی بر محیط کلاس اعمال می‌شود، آگاهی دارد. این چنین رده‌های ساختاریافته، بر شرایط انگیزشی دانش‌آموز تأثیر می‌گذارد (شکاری، ۱۳۹۱). رویکردهای فعال یادگیری بیان می‌کنند که ویژگی‌های فطری انسان، او را برای درگیری فعال با محیط اجتماعی و فیزیکی آماده می‌کنند. براساس این رویکردها، انسان در ذات موجودی فعال و علاقه‌مند به یادگیری و درونی سازی دانش است (لواسانی، ۱۴۰۰).

عزت نفس و خودباوری از جمله سازه‌های روانشناختی است که در چند دهه اخیر مورد توجه بسیاری از روانشناسان و پژوهشگران قرار گرفته است. بطورکلی ارزیابی‌هایی که فرد از خود می‌کند عزت نفس او را شکل می‌دهد (یاسایی، ۱۳۹۵). همچنین عزت نفس درجه تصویب، تأیید، پذیرش و ارزشمندی است که فرد نسبت به خود احساس می‌کند. عزت نفس از خودباوری متفاوت است، خودباوری عبارت است از مجموعه ویژگی‌هایی که فرد برای توصیف خویش بکار می‌برد در حالی که عزت نفس عبارت است از ارزشیابی اطلاعاتی که فرد در خود پنداره دارد و از اعتقادات فرد در مورد تمام صفات و ویژگی‌هایی که در او هست ناشی می‌شود (نوربخش، ۱۳۹۴). مطالعات نشان داده است که اشخاص با عزت نفس بالا از لحاظ اعتماد به نفس در سطح بالایی قرار دارند و تلاش هایشان آن‌ها را به سوی موفقیت سوق می‌دهد. در این افراد احساس شایستگی و لیاقت عاملی برای دستیابی به سطوح بالایی از انگیزش درونی می‌باشد. انتظارات بالا موجب شکل گیری اهداف مشکل می‌شود و اهداف مشکل به برانگیختن تمرکز و چالش‌های مداوم کمک می‌کند که نتیجه آن پیشرفت و تقویت عزت نفس می‌باشد. اما افراد با عزت نفس پایین، انتظارات پایینی را برای عملکردهای خود در موقعیتهای گوناگون در نظر می‌گیرند و اغلب توانایی‌های اولیه خود را دست کم می‌گیرند؛ چرا که فاقد اعتماد به نفس می‌باشند و از شکست می‌ترسند. به طور طبیعی نتیجه انتظارات پایین، تلاش کمتر و شکل

گیری اهداف نه چندان دشوار و متوسط است. اهداف کوچک، عملکرد متوسط و تلاش کمتر را به دنبال دارد (غفاری، ۱۳۹۷).

جایگاه تعلیم و تربیت بسی رفیع‌تر از جایگاه همه مناسبات و تعاملات مدنی و فرهنگی به حساب می‌آید. در این میان آنچه مهم است فراهم ساختن بستری برای برانگیختن و رشد استعدادهای نهفته نسل فردا، به نحوی که بتواند به شکلی مستمر او را در راه رسیدن به کمال وجودی یاری دهد. در نظام آموزشی، مدارس و مؤسسات زیادی در راستای تعلیم و تربیت در حال فعالیت هستند. با توجه به اهمیت نظام آموزشی و مسئولیت خاصی که دانش‌آموزان دارند، ضرورت دارد که عوامل اثرگذار در عزت‌نفس و خودباوری دانش‌آموزان ابتدایی مورد شناسایی قرار گیرد. به همین دلیل، جامعه آماری مورد پژوهش حاضر دانش‌آموزان ابتدایی تشکیل می‌دهند و جامعه مورد پرسش را خبرگان این حوزه که دارای مدرک تحصیلی دکتری تخصصی در رشته علوم تربیتی و مدیریت آموزشی هستند، تشکیل دادند. در مصاحبه با در ۱۲ خبره به اشباع نظری رسیدیم بدین ترتیب حجم نمونه پژوهش حاضر را ۱۲ نفر تشکیل می‌دهد. روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر از نوع آگاهانه هدفمند است. این پژوهش سعی دارد ضمن شناسایی عوامل اثرگذار در عزت‌نفس و خودباوری دانش‌آموزان ابتدایی و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن‌ها پیشنهاد دهد. لذا به همین منظور آموزش و پرورش ابتدایی باید توسعه و گسترش عزت‌نفس و خودباوری را جزء اولویت‌های خود قرار دهد و ضمن شناسایی آن، در جهت بهبود و توسعه آن‌ها برای ارتقاء انگیزه پیشرفت تلاش کند. با توجه به مبانی نظری و با توجه به بررسی پیشینه موضوع، پژوهش حاضر به بررسی این موضوع می‌پردازد که عوامل اثرگذار در عزت‌نفس و خودباوری دانش‌آموزان ابتدایی چیست؟

### مبانی نظری پژوهش

یکی از مهمترین اهداف آموزش و پرورش در قرن بیست و یکم، تربیت فراگیرانی است که از آمادگی لازم برای رویارویی با جامعه در حال تغییر و پیچیدگی‌های عصر انفجار اطلاعات برخوردار باشند. بر این اساس ترویج اندیشیدن و اندیشه‌ورزی در مدارس و مراکز آموزشی از اهمیت بالایی برخوردار بوده و این تنها در سایه انتقال اطلاعات به ذهن یادگیرندگان حاصل نمی‌شود، بلکه در برنامه‌های درسی باید روش‌هایی گنجانده شود که از طریق آن‌ها یادگیرندگان قابلیت‌های چگونه آموختن را از طریق نظم فکری بیاموزند و در زندگی روزمره خود بکار برند (محمدی‌مهر، ۱۴۰۰).

امروزه به علت پیچیده شده زندگی بشر، تغییرات زیادی در سازمان‌ها در حال وقوع است و آن‌ها، رقابت‌های تنگاتنگی را برای بقاء با یکدیگر دارند. در میان این تحولات، نظام آموزشی نیز تغییرات زیادی کرده است، که می‌توان از جمله این تغییرات، تمایل زیاد دانش‌آموزان به دخل و تصرف در آنچه می‌آموزند و شیوه تفکر آن‌ها را نام برد. پژوهش‌ها نشان داده است که برنامه‌های از قبل تدوین شده جوابگوی مسائل دانش‌آموزان امروزی نیستند. در این شرایط، آموزش را نمی‌توان به انتقال معلومات و اطلاعات فقط از سوی معلم محدود کرد. چرا که امروزه دانش‌آموزان نیازمندند که با نگاه خود، هدف و محتوای آموزش را بررسی کنند؛ خود، آموخته‌های خود را نقد کنند و مسائل و مشکلات

را با دیدی متفاوت بررسی و حل کنند. به همین دلیل ایجاد و پرورش خودباوری و گرایش دانش‌آموزان به این نوع تفکر را می‌توان یکی از اهداف اساسی نظام آموزش و پرورش در دنیا انگاشت که جزء جدایی‌ناپذیر هر نظام آموزشی است؛ در حقیقت فرایند تعلیم و تربیت دانش‌آموزان باید روحیه‌ی گرایش به خودباوری و زمینه‌ی بررسی و پژوهش و تفکر سطح بالا و وسیع را در شاگردان ایجاد کند (جاهدی و همکاران، ۱۴۰۰).

توسعه‌ی هر جامعه متأثر از نیروی آموزش دیده‌ی آن جامعه است؛ بنابراین، دستیابی به بهره‌وری و بهبود کیفیت نظام آموزشی را می‌توان اثرگذارترین عامل در توسعه‌ی کشورها دانست (صفدری‌ده‌چشمه و همکاران، ۱۴۰۰). دانش‌آموزان هر جامعه به عنوان آینده سازان هر کشور، گروهی هستند که بخش عمده‌ی برنامه‌ریزی و بودجه‌ی هر کشور را به خود اختصاص می‌دهند. آنان از هوشمندترین و مستعدترین اقشار جامعه هستند (حیدری و کوشان، ۱۴۰۰)؛ بنابراین شناسایی فاکتورهای مؤثر در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و توجه به آنان، گامی به سوی توسعه‌ی پایدار است (صفدری‌ده‌چشمه و همکاران، ۱۴۰۰).

اهمیت آموزش و پرورش در جامعه امروزی تا حدی زیاد است که بسیاری از بزرگان و دانشمندان، آن را مهمترین نهاد در ساخت یک جامعه موفق می‌دانند. متأسفانه تغییرات سریع و گاه تصمیمات سیاسی همواره سایه سنگین خود را بر روی این نهاد می‌اندازند. در حالی که تغییرات در این نهاد باید بسیار فکر شده و محاسبه شده باشند چرا که جامعه‌پذیری گرچه از خانواده شروع می‌شود اما در مدرسه است که قوام و جهت می‌یابد. مسأله تربیت در جامعه امروزی بسیار مهم و مورد توجه می‌باشد و این امر باعث شده است که اهمیت آموزش و پرورش نسبت به دیگر فعالیت‌های اجتماعی بسیار بالاتر باشد. در واقع در دنیای امروز، مسأله تربیت فرزند از نیازهای اولیه زندگی می‌باشد و بدون اغراق، نقش آموزش و پرورش و مربیان پرورشی در این تربیت غیرقابل انکار می‌باشد (هالپرن، ۲۰۲۲). لازمه موفقیت در این مهم، فراهم شدن زمینه افزایش خودباوری و قدرت اندیشیدن فراگیران توسط نظام آموزش و پرورش می‌باشد. فراگیران نیازمند تفکیک واقعیت از تفسیر، ارزیابی صحت گرایش‌های فکری خود و قضاوت صحیح شواهد و مدارک‌اند که اساس خودباوری است. علاوه بر متون روانشناسی و علمی مختلف، در دین اسلام نیز بر خودباوری تأکید شده است. برای مثال در قرآن و در سوره مریم در آیات ۴۲ و ۴۳ سوره‌ی مریم آمده است: ای پدر چرا چیزی را می‌پرستی که نه می‌شنود و نه می‌بیند و نه هیچ نیازی از تو بر می‌آورد؟

ای پدر مرا دانشی از وحی و حقایق داده‌اند، پس از من پیروی کن تا تو را به راه راست هدایت کنم. و در آیه‌ی ۲۱ سوره‌ی انبیاء و ۱۵ سوره‌ی کهف آمده است: آری اگر پیامبران و اولیای الهی را الگوی خویش قرار دهیم، از آن‌ها خواهیم آموخت که با چشم بسته و بدون آگاهی چیزی را نپذیریم، بلکه برهان آن را نقد و بررسی کنیم و پس از سنجیدن آن با معیارهای الهی، اگر با آن همخوانی داشت، آن را بپذیریم و بدان عمل کنیم (جاهدی و همکاران، ۱۴۰۰).



نوجوانی یکی از مراحل مهم و حساس رشد و تکامل است که آثار و پیامدهای آن در بلندمدت حفظ و دارای اهمیت خاصی می‌باشد و نقش مهمی در سلامت روان حتی در بزرگسالی دارد (کولبورن<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۲). نوجوانی دوره‌ای همراه با تغییرها و تحول‌های بسیار در زمینه‌های جسمی، جنسی، شناختی، هیجانی، اجتماعی و روانی است که می‌توانند بر خودباوری<sup>۲</sup> یا اعتمادبه‌نفس نوجوانان تأثیر داشته باشند (مک‌گران<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۲۲). یکی از مشکلات رایج در دوران نوجوانی کمبود یا افت خودباوری است که میزان آن به عنوان یکی از اختلال‌های روانشناختی در نوجوانان در حال افزایش است (کیم و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۲۱). نتایج پژوهشی نشان داد که فقط ۳۷/۸ درصد از نوجوانان دارای عزت‌نفس مطلوبی بودند (بابائی و همکاران، ۱۳۹۹). خودباوری به معنای باور فرد به توانایی‌های خود برای انجام مناسب و موفقیت‌آمیز تکالیف و فعالیت‌های مختلف می‌باشد (گاندهی<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۲۲) که از طریق کسب تجربه‌های موفقیت‌آمیز در زمینه مهارت‌های شناختی، زبانی، اجتماعی و ارتباطی به ویژه در دوران کودکی و نوجوانی و تعامل‌های اجتماعی با دیگران حاصل می‌شود (باس<sup>۶</sup>، ۲۰۲۲). به طور کلی دو نوع خودباوری خاص و عام وجود دارد و در حالی که خودباوری خاص به باور به توانایی‌های خود در یک زمینه ویژه مثلاً تحصیلی اشاره دارد، خودباوری عام به باور به توانایی‌های خود در همه زمینه‌ها به صورت کلی اشاره دارد (کیم، وی و گیلبرت<sup>۷</sup>، ۲۰۲۱). خودباوری دارای سه ویژگی اندازه، توانایی و عمومیت است؛ به طوری که اندازه به میزان خودباوری، توانایی به میزان توانمندی فرد در انجام وظایف و عمومیت به تعمیم خودباوری به موقعیت‌ها و فعالیت‌های مشابه اشاره دارد (یو و هو<sup>۸</sup>، ۲۰۲۳).

توجه به خودباوری به عنوان یکی از نیازهای روانشناختی با پیامدهای مثبتی مانند ارزشمندی، احساس توانمندی، قدرت، کفایت و احساس شایستگی همراه است و بی‌اعتنایی یا بی‌توجهی به آن با پیامدهای منفی مانند احساس بی‌ارزشی، عدم کفایت، ضعف مهارت‌های زندگی همراه می‌باشد (زیولکوسکی<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۲۲). خودباوری باعث می‌شود که فرد با توجه به وجود موانع و چالش‌ها از موقعیت نترسد و با اتکاء به توانمندی‌های خود و در صورت لزوم دریافت کمک از دیگران راهکارهای مناسب را بیابند و بر آن‌ها فائق آیند (دینگ<sup>۱۰</sup> و همکاران، ۲۰۲۲). افراد دارای خودباوری بالا از توانایی‌ها، استعدادها و شایستگی‌های خود و حتی ضعف‌ها و محدودیت‌های خود آگاهی دارند و

<sup>۱</sup> Colburn

<sup>۲</sup> Self-Confidence

<sup>۳</sup> McGrane

<sup>۴</sup> Kim

<sup>۵</sup> Gandhi

<sup>۶</sup> Bas

<sup>۷</sup> Kim, Wee & Gilbert

<sup>۸</sup> You & Hou

<sup>۹</sup> Zulkosky

<sup>۱۰</sup> Ding

<sup>۱۱</sup> Pinar, Yildirim & Sayin

<sup>۱۲</sup> Herron

<sup>۱۳</sup> Akdeniz & Saytekin

<sup>۱۴</sup> You & Hou

<sup>۱۵</sup> Zulkosky

<sup>۱۶</sup> Ding

با این شناخت و آگاهی می‌توانند به خوبی با مشکلات و چالش‌ها به مقابله برخیزند (پینار، ییدیریم و سایین<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲). افراد دارای خودباوری پایین در مقایسه با افراد خودباوری بالا در زندگی بیشتر در موقعیت‌های اجتماعی با دیگران هم‌رنگ می‌شوند و به راحتی تحت تأثیر دیگران قرار می‌گیرند، در مقابل افراد با خودباوری بالا در مقابله و مواجهه با مشکلات و چالش‌ها کمتر تحت تأثیر دیگران قرار می‌گیرند و تلاش می‌کنند تا با تکیه بر توانایی‌ها و مهارت‌های خود و در صورت لزوم با کمک از دیگران بر مشکلات و چالش‌ها فائق آیند (هیرون<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۱). خودباوری بالا، واقعی و مناسب به فرد این امکان را می‌دهد که دیدگاه مناسبی نسبت به خود داشته باشد، به توانایی‌های خود در انجام فعالیت‌ها اعتماد کند و بر زندگی خود احساس کنترل و مدیریت نماید (اکدنیز و سایتکین<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲). خودباوری پایین می‌تواند مشکلات متعددی از جمله افت تحصیلی، درگیری‌های اجتماعی، آمادگی برای ابتلاء به انواع اختلال‌های روانی (مثل اضطراب و افسردگی)، دشواری در سازگاری، گرایش به مواد مخدر و اعتیاد و اقدام به خودکشی را به وجود آورد (شروئر<sup>۴</sup>، ۲۰۲۱).

با اینکه پژوهش‌های بسیاری درباره عزت‌نفس و خودباوری انجام شده، اما کمتر پژوهشی به بررسی عوامل سازنده و مؤثر بر رشد عزت‌نفس و خودباوری پرداخته است و نتایج مهمترین پژوهش‌ها در این زمینه به شرح زیر می‌باشند. نتایج پژوهش کاهنگ و موبرای<sup>۵</sup> (۲۰۲۰)، نشان داد که عوامل مؤثر بر عزت‌نفس شامل دو بعد ارزش خود و تحقیر خود بود. مشایخ، محسنی چلک و صلاحی کجور (۱۴۰۱)، ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که محیط خانه، مدرسه، والدین، معلمان، حمایت اجتماعی، مشورت و احترام متقابل نقش مهمی در رشد عزت‌نفس کودکان و نوجوانان داشتند. در پژوهشی دیگر فیروزبخت و همکاران (۱۴۰۰)، گزارش کردند که عوامل مؤثر در رشد عزت‌نفس شامل آگاهی، پردازش غیرسوگیرانه، کنش اصیل و رابطه اصیل معرفی و گزارش کردند که با کمک ایجاد آگاهی نسبت به خویشتن، رشد پردازش شناختی بدون سوگیری، شکل‌دهی رفتار برخاسته از ارزش‌های فرد و کمک به برقراری رابطه‌ای اصیل فرد در جهت رشد عزت‌نفس بود. بهارلو و هاشمی (۱۴۰۰)، ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که عوامل مؤثر بر افزایش اعتمادبه‌نفس در کودکان شامل دوست داشتن و راضی بودن از خود، اهمیت ندادن به گفتار و اندیشه دیگران درباره خود، دنبال نمودن هدف خود، طرح‌ریزی اهداف جدید و نگرستن به آینده و کسب تجربه از گذشته بودند. علاوه بر آن، نتایج پژوهش حمید، الماسی و مهرابی‌زاده هنرمند (۱۳۹۹)، نشان داد که مهارت‌های فردی و اجتماعی نقش مؤثری در افزایش خودباوری دانش‌آموزان نوجوان داشتند. ایروانی و عمادی (۱۳۹۷)، ضمن پژوهشی درباره واکاوی چارچوب و شاخصه‌های اعتمادبه‌نفس یا خودباوری گزارش کردند که عوامل مؤثر بر رشد آن شامل ارجمندی و کرامت، ارائه هدف برتر در زندگی، عوامل رفتاری، تأکید بر استواری روحی، عزم راسخ و بلندهمتی، اتکاء به اراده و عمل خود، پرهیز از ترس، توجه به شرایط و امکانات پیرامون، رابطه فرد با جامعه و ارزش برای شخصیت افراد در ارتباطات میان فردی بودند. در

<sup>۱</sup> Pinar, Yildirim, Sayin

<sup>۲</sup> Herron

<sup>۳</sup> Akdeniz & Saytekin

<sup>۴</sup> Sharour

<sup>۵</sup> Kahng & Mowbray

پژوهشی دیگر احمدی، گروسی فرشی و شیخ علیزاده (۱۳۹۵)، گزارش کردند که عوامل مؤثر بر خودباوری دانش‌آموزان نوجوان شامل فعالیت‌های ورزشی و هنری، برنامه‌ریزی منظم، شیوه‌های تربیتی، شیوه‌های مقابله، دلپذیربودن، برونگرایی، پیشرفت تحصیلی، تحصیلات والدین و درآمد خانواده بودند.

خودباوری، میزان باور فرد به این نکته است که تا چه حد می‌تواند کارها و وظایف خود را به طور موفقیت‌آمیز و درست انجام دهد (سلیمان‌نژاد، ۱۳۹۹).

از یک سو بررسی‌ها حاکی از نقش و اهمیت خودباوری و باور به توانایی‌های در سایر ویژگی‌های روانشناختی و توانمندی‌ها دارد و از سوی دیگر نتایج بررسی‌ها حاکی از وجود مشکل در خودباوری نوجوانان و افت این سازه مهم در آن‌ها است (کیم و مور<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹). بنابراین، باید به دنبال راهکارهایی برای بهبود خودباوری آن‌ها بود که برای این منظور ابتدا باید عوامل سازنده و مؤثر بر رشد خودباوری را شناخت. نکته حائز اهمیت دیگر اینکه پژوهش‌های اندکی درباره عوامل تأثیرگذار خودباوری انجام شده، اما پژوهشی درباره عوامل سازنده و مؤثر بر رشد خودباوری یافت نشد که انجام این پژوهش می‌تواند به متخصصان و برنامه‌ریزان جهت طراحی برنامه‌های مناسبی برای رشد و ارتقای خودباوری نوجوانان کمک کند. در نتیجه، هدف این پژوهش شناسایی و واکاوی عوامل سازنده و مؤثر بر رشد خودباوری نوجوانان عضو کانون‌های پرورش فکری کودکان و نوجوانان بود.

بنابراین انجام پژوهش حاضر از این نقطه نظر ضروری و بااهمیت به نظر می‌رسد که می‌تواند کمک شایانی به سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان عرصه آموزش نموده تا به درک عمیق‌تری از میزان مهارت‌های گرایش دانش‌آموزان به عزت‌نفس و خودباوری برسند. افزون بر این طراحان برنامه‌های درسی و کتب آموزشی و دانشگاهی می‌توانند از نتایج پژوهش حاضر به منظور طراحی مواد آموزشی با رویکرد گرایش به خودباوری بهره‌جویند. آنچه اهمیت پژوهش حاضر را دو چندان می‌نماید استفاده کاربردی معلمان از یافته‌های پژوهش فوق برای گنجاندن مهارت‌های گرایش به عزت‌نفس و خودباوری در چارچوب برنامه‌های آموزشی می‌باشد.

### پیشینه پژوهش

#### - پژوهش‌های داخلی

رحمانی (۱۴۰۲)، پژوهشی با هدف مطالعه مروری نقش والدین و معلمان در خودباوری و عزت‌نفس دانش‌آموزان انجام داده است. عزت‌نفس و خودباوری از اساسی‌ترین موضوعاتی است که در زندگی هر انسان مطرح و در موفقیت‌ها و شکست‌های وی تأثیر مستقیم دارد. عزت‌نفس یکی از نیازهای حیاتی بشر است و اغلب متخصصان آن را به عنوان عامل اصلی سازگاری اجتماعی عاطفی در نظر می‌گیرند. کاهش عزت‌نفس در دانش‌آموزان سبب افت تحصیلی، احساس تنهایی، سوء استفاده از مواد، دوری از واقعیت و رفتارهای خود تخریبی می‌شود و در این میان حمایت والدین و معلمان آموزشی در عزت‌نفس و خودباوری دانش‌آموزان می‌تواند نقش اساسی داشته باشد. مقاله مورد نظر از نوع مطالعه مروری است و از سایت‌های پژوهشی مختلفی اعم از (پایان نامه‌های دانشگاهی، SID،

<sup>۱</sup> Kim & Moore

مگیران و ... جمع‌آوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد والدین و معلمان مدرسه می‌توانند در عزت‌نفس و خودباوری دانش‌آموزان تأثیرگذار باشند. خضری و همکاران (۱۴۰۲)، پژوهشی با هدف دلایل خودباوری و عزت‌نفس دانش‌آموزان انجام دادند. یافته‌ها نشان داد، سبکی از مفاهیمی که به مفهوم نگرش به آموزشگاه و یادگیری آموزشگاهی بسیار نزدیک است مفهوم نگرش به خود و عزت‌نفس تحصیلی در رابطه با یادگیری آموزشگاهی است. موفقیت و تایید یا شکست و عدم تایید در تعدادی از تکالیف یادگیری و در مدت نسبتاً طولانی به عزت‌نفس کلی درباره آموزشگاه و یادگیری آموزشگاهی می‌انجامد. کوپراسمیت در پژوهش خود به این نتیجه رسید که کودکان با عزت‌نفس بالا افرادی هستند که احساس اعتماد به نفس، استعداد، خلاقیت و ابراز وجود دارند و به راحتی تحت تأثیر عوامل محیطی قرار نمی‌گیرند. در پژوهش‌هایی که بر روی نوجوانان اسرائیل انجام شده (هافمن و همکاران) مبین تأثیر ارتباط مادر با کودک در ایجاد تصور مثبت از خود و عزت‌نفس است. اگر کودک از اغلب تکالیف مدرسه تصور موفقیت داشته باشد و اگر بخاطر یادگیری این تکالیف از جانب معلم، والدین و همسالان خود تشویق می‌گردد، نگرش او به آموزشگاه و یادگیری آموزشگاهی مثبت خواهد بود و او مشتاق است تا تجارب بیشتری را در آنجا کسب کند.

جعفری (۱۴۰۱)، در پژوهشی با هدف مقایسه عزت‌نفس، خودکارآمدی تحصیلی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان شرکت کننده در فعالیتهای مذهبی و عادی پرداختند. روش پژوهش علی-مقایسه‌ای و جامعه آماری پژوهش، شامل تمامی دانش‌آموزان دختر نواحی چهار گانه آموزش و پرورش شهر شیراز بود. به منظور انتخاب نمونه ابتدا تعداد ۱۰۰ نفر از دانش‌آموزان فعال مذهبی براساس نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و سپس به همان تعداد از دانش‌آموزان عادی انتخاب گردیدند، پس از حذف چهار پرسشنامه مخدوش تعداد ۱۹۶ پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه‌های مقیاس عزت‌نفس روزنبرگ، خودکارآمدی عمومی شرر و همکاران و سنجش عملکرد تحصیلی فام و تیلور مورد استفاده قرار گرفتند. برای آزمون فرضیه‌ها از روش آمار توصیفی میانگین و انحراف استاندارد و در سطح آمار استنباطی از آزمون T مستقل استفاده شد. نتایج نشان داد که بین اعتماد به نفس و خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان عادی و فعال در برنامه‌های مذهبی تفاوت معنادار وجود دارد اما بین عملکرد دو گروه تفاوت معناداری مشاهده نشد.

دهمرده (۱۴۰۱)، حلقه مفقوده فعالیت‌های روانی و پایه همه گرایش‌ها و افکار منفی در طیف گسترده‌ای از کودکان و نوجوانان خصوصاً در آستانه بلوغ نداشتن عزت‌نفس و کمبود آن می‌باشد. برخوردهای سخت و غیر مسئولانه اولیاء و مربیان گاه‌ها ضرباتی را به روح و روان نوجوان وارد می‌نماید که جبران آن به مراتب از بیماری‌های جسمی سخت‌تر و سنگین‌تر بود. عزت‌نفس کلید ورود به شخصیت‌پذیری و مسولیت‌پذیری و ایجاد شهروندی معتقد و قانون مدار می‌باشد. در پژوهش حاضر سعی شده است به بررسی تأثیر عزت‌نفس و مؤلفه‌های آن در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان شهر زهک بپردازیم از جامعه آماری مشخصی و با روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی ۷۰ نفر از دانش‌آموزان متوسطه با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای گزینش نموده و مورد

بررسی قرار گرفتند فرض اصلی پژوهش بر این بود که عزت نفس و مؤلفه‌های آن با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه شهر زهک رابطه معناداری دارد در این پژوهش از پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت (۱۹۶۷) استفاده شد. مشخص شد عزت نفس و مؤلفه‌های آن با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معناداری داشت و همچنین بین عزت نفس «عزت نفس کلی، عزت نفس اجتماعی، عزت نفس خانوادگی، و عزت نفس تحصیلی» با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معناداری داشت.

نورائی و همکاران (۱۴۰۱)، در مطالعه‌ای نشان دادند که بین خودباوری و پیشرفت تحصیلی، عزت نفس و خودکارآمدی همبستگی معناداری مشاهده نشد، همچنین بین جایگاه دانش‌آموز و عزت نفس رابطه معناداری مشاهده شد.

غیائی (۱۴۰۱)، در مطالعه‌ای که تحت عنوان رابطه‌ی عزت نفس و سبک‌های حل مسئله با باورهای خودکارآمدی دانشجویان انجام داد، نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که عزت نفس و سه سبک حل مسئله‌ی خلاقیت، اعتماد و گرایش با باور به خودکارآمدی رابطه‌ی معنی‌دار مستقیم دارد و با دو سبک درماندگی و مهارگری رابطه‌ی معنی‌دار معکوس دارد.

میرزابیگی و همکاران (۱۴۰۱)، به مقایسه خودباوری، احساس تعلق به مدرسه، انگیزه پیشرفت تحصیلی در بین دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس متوسطه دوم شهر ایلام پرداختند. روش پژوهش از نوع علی- مقایسه‌ای و جامعه آماری را کلیه‌ی دانش‌آموزان پسر و دختر مدارس متوسط دوم شهر ایلام تشکیل می‌دهد و حجم نمونه از طریق جدول کرجسی و مورگان، تعداد ۳۷۴ دانش‌آموز تعیین شد که از این تعداد، ۱۸۷ نفر پسر و ۱۸۷ نفر دختر می‌باشند. روش نمونه‌گیری مورد استفاده با توجه به نواحی آموزش و پرورش شهرستان ایلام، روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده که مقیاس خودباوری حسین چاری و دهقانی‌زاده (۱۳۹۱)، پرسشنامه ابعاد احساس تعلق به مدرسه بریو و بتی (۲۰۰۵) و انگیزه پیشرفت تحصیلی هرمنس (۲۰۰۰) را تکمیل کردند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که در بین دانش‌آموزان پسر و دختر مدارس متوسطه دوم شهر ایلام در ابعاد تعلق به همسالان، حمایت معلم، عدالت در مدرسه، ارتباط در مدرسه، مشارکت علمی و متغیرهای انگیزه پیشرفت تحصیلی و سرزندگی تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد.

شناسا و همکاران (۱۴۰۰)، پژوهش حاضر به بررسی نقش خودباوری و نشاط بر پیشرفت علمی دانش‌آموزان متوسطه دوره اول شهرستان شیراز و ارائه‌ی راهکار به منظور افزایش خودباوری و نشاط در پیشرفت علمی دانش‌آموزان پرداخته است. یادگیری انسان و ساماندهی رفتار نوجوان در گرو نشاط و خودباوری و هیجانات مثبت اوست و یکی از رموز موفقیت هر فردی در زندگی، داشتن روحیه خودباوری و اعتماد به نفس است. شکی نیست که یکی از وظایف مهم تربیتی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی مدارس، تشویق نوجوانان به مشارکت و تعاون در همه امور است و آنان می‌توانند با تدوین برنامه‌ریزی آموزشی مناسب به جلب مشارکت دانش‌آموزان در امور مختلف مدرسه اقدام کنند و این موضوع می‌تواند به احساس مفید بودن و دور شدن از انزوا و کسالت در نوجوانان کمک کند و خود یکی از موارد خودباوری و با نشاط زیستن است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دوره

متوسطه شهر شیراز به تعداد ۱۷۷۹۲ نفر تشکیل دادند. شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای بود. با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰)، تعداد نمونه ۳۷۶ نفر برآورد گردید. برای گردآوری اطلاعات در این پژوهش، از دو روش استفاده گردید. در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. جهت محاسبه درصدها، محاسبه شاخص‌های مرکزی، پراکندگی مناسب، طبقه بندی کردن داده‌ها و رسم نمودار استفاده شده است. جهت تعمیم نتایج، تعیین رابطه بین نظرات طبقه مورد مطالعه از آزمون T یک گروهی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که خودباوری، نشاط، جنسیت و وضعیت اقتصادی خانواده در برنامه‌ریزی آموزشی خصوصاً پیشرفت علمی دانش‌آموزان دوره متوسطه مؤثر واقع شده است.

ثناگوی محرر و همکاران (۱۴۰۰)، به بررسی رابطه بین خودباوری بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر زاهدان پرداختند. هدف این پژوهش بررسی رابطه بین خودباوری بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر زاهدان می‌باشد. اثرگذاری خودباوری بر پیشرفت تحصیلی بسیار جدی است میل به پیشرفت از زمان‌های گذشته وجود داشته است و انسان‌ها برای رسیدن به هدف‌های متعالی خود کوشش زیادی به عمل آوردند و یکی از راه‌های رسیدن به اهداف خود تحصیل علم و دانش در تمام مقاطع تحصیلی می‌باشد. بدین منظور ۴۵۰ نفر دانش‌آموز پسر مقطع متوسطه به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده گزینش و از بین آنان ۱۰۰ نفر دانش‌آموز انتخاب نموده و آزمون‌های دانش‌آموزی پژوهش کرده و بین خودباوری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر ارتباط معنی‌داری وجود دارد. در مورد تأثیر خودباوری بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع این نتیجه بدست آمد که دانش‌آموزانی که دارای پیشرفت تحصیلی هستند خودباوری بیشتری نسبت به دانش‌آموزانی که در همان مقطع پیشرفت تحصیلی ندارند را دارا هستند.

محمدی (۱۳۹۹)، هدف اصلی این مقاله ارائه یک مدل کاربردی برای مدارس جهت ارتقای روحیه خودباوری در دانش‌آموزان بوده است. شیوه عمل در این مدل بر این قرار گرفته است که: کمیته‌ای به نام کمیته‌ی خودباوری با ریاست یکی از اعضای شورای دانش‌آموزی و عضویت نمایندگان کلاس‌ها و رشته‌های موجود در مدرسه به کمیته‌های شورای دانش‌آموزی مدرسه افزوده می‌شود. این کمیته که بر اساس تقویت هویت ملی دانش‌آموزان و پایبندی به اهداف و آرمان‌های کشور شکل گرفته است، به صورت نظام‌مند جلسات خود را ماهانه برگزار می‌کند. موضوعات مطرح شده در این کمیته مرتبط با توانمندی‌ها و موفقیت‌های مدرسه، شهرستان، استان و کشور در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. نتایج برگزاری جلسات در تابلوی خودباوری مدرسه که به این منظور اختصاص یافته است، به سایر دانش‌آموزان منعکس می‌شود. این مدل در هنرستان فنی و حرفه‌ای آزادی شهرستان دهگلان، مورد آزمایش قرار گرفته است و اثربخشی آن به - تحصیلی ۹۰ تأیید رسیده است. برای آزمون رابطه مؤلفه‌های بکار رفته بر فرایند بهبود خودباوری از آزمون تفاوت میانگین‌ها استفاده گردیده است. داده‌های بدست آمده از آزمون t وابسته نشان داد که بین میانگین مؤلفه‌های خودباوری در دانش‌آموزان هنرستان فنی آزادی در پژوهش حاضر تفاوت معناداری وجود دارد. در نتیجه مطابق با

این نتایج می‌توان گفت که مؤلفه‌های بکار رفته در ارتقای میزان خودباوری در دانش‌آموزان هنرستان فنی آزادی اثر گذار بوده است.

جوادی و گودرزی (۱۳۹۹)، پژوهشی با هدف تعیین اثربخشی آموزش گرایش به خودباوری بر خودباوری و خود کارآمدی دانش‌آموزان مقطع متوسطه انجام دادند. این پژوهش از نوع شبه آزمایشی با طرح پیش آزمون - پس آزمون و در آن، از دو گروه آزمایش و کنترل استفاده شده است. جامعه آماری شامل ۵۰ نفر از دانش‌آموزان دختر سال اول دبیرستان حضرت زهرا (س) در منطقه ۶ تهران است. روش نمونه‌گیری از نوع تصادفی بود و در آن، دانش‌آموزان دو کلاس اول دبیرستان از بین سایر کلاس‌ها انتخاب شدند. سپس در مرحله‌ی بعد به طور تصادفی گروه‌های آزمایش و کنترل مشخص گردیدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه عزت‌نفس پپ و مقیاس خود کارآمدی نوجوان بوده است. آن گاه پروتکل آموزش گرایش به خودباوری براساس بسته‌ی آموزشی مؤلفه‌های انتقادی کاگان در قالب ۷ جلسه‌ی ۴۵ دقیقه‌ای انجام گرفت. برای توصیف داده‌ها و تحلیل فرضیه‌های پژوهش از شاخص‌های آمار توصیفی و تحلیل کواریانس استفاده شد. براساس مهم‌ترین نتایج به دست آمده، آموزش گرایش به خودباوری باعث افزایش خودباوری و خود کارآمدی دانش‌آموزان گروه آزمایش در مقایسه با دانش‌آموزان گروه کنترل شده است.

نظری و شفیعی پورمطلق (۱۳۹۸)، به تعیین عوامل مؤثر بر خودباوری تحصیلی دانش‌آموزان به منظور ارائه یک مدل مناسب (مورد مطالعه؛ دیدگاه دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان قروه) پرداختند. هدف پژوهش حاضر، تعیین عوامل مؤثر بر خودباوری تحصیلی دانش‌آموزان به منظور ارائه یک مدل مناسب بوده است. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بوده است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان قروه تشکیل داده اند. شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای تک مرحله‌ای بوده است. لذا تعداد ۳۳۶ نفر دانش‌آموز از دوره متوسطه آموزش و پرورش شهرستان قروه بطور تصادفی برای پاسخگویی انتخاب شدند. ابزار پژوهش مشتمل بر سه دسته بوده‌اند که عبارتند از: پرسشنامه محقق ساخته عوامل مؤثر بر توسعه خودباوری تحصیلی دانش‌آموزان که دارای دو بُعد شیوه‌های تربیتی و بُعد عوامل آموزشی بوده است. پرسشنامه محقق ساخته تلاش تحصیلی. پرسشنامه محقق ساخته توسعه خودباوری تحصیلی ادراک شده دانش‌آموزان. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه گام به گام و مدل معادله ساختاری استفاده شده است. بطور کلی نتایج پژوهش نشان داد، بین شیوه‌های تربیتی سه گانه (مقتدرانه، سهل‌انگارانه، مستبدانه) با توسعه خودباوری تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد. نیز بین عوامل آموزشی سه گانه (شیوه تدریس معلم، برنامه درسی و جو آموزشی) با توسعه خودباوری تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد. نیز نتایج پژوهش نشان داد، تلاش تحصیلی، رابطه بین شیوه‌های تربیتی و عوامل آموزشی را با توسعه خودباوری تحصیلی، میانجی‌گری می‌کند. همچنین نتایج نشان داد، مدل تجربی پژوهش از برآزش نسبتاً مطلوبی برخوردار بوده است.

میهنی (۱۳۹۸)، هدف پژوهش حاضر، تعیین عوامل مؤثر بر خودباوری تحصیلی دانش‌آموزان به منظور ارائه یک مدل مناسب بوده است. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بوده است. جامعه

آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان قروه تشکیل داده‌اند. شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای تک مرحله‌ای بوده است. لذا تعداد ۳۳۶ نفر دانش‌آموز از دوره متوسطه آموزش و پرورش شهرستان قروه بطور تصادفی برای پاسخگویی انتخاب شدند. ابزار پژوهش مشتمل بر سه دسته بوده‌اند که عبارتند از: ۱. پرسشنامه محقق ساخته عوامل مؤثر بر توسعه خودباوری تحصیلی دانش‌آموزان که دارای دو بُعد (شیوه‌های تربیتی، عوامل آموزشی) بُعد عوامل آموزشی بوده است. ۲. پرسشنامه محقق ساخته تلاش تحصیلی: این پرسشنامه. ۳. پرسشنامه محقق ساخته توسعه خودباوری تحصیلی ادراک شده دانش‌آموزان. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه گام به گام و مدل معادله ساختاری استفاده شده است. بطور کلی نتایج پژوهش نشان داد، بین شیوه‌های تربیتی سه گانه (مقتدرانه، سهل انگارانه، مستبدانه) با توسعه خودباوری تحصیلی در سطح  $P < 0/05$  رابطه معناداری وجود دارد. نیز بین عوامل آموزشی سه گانه (شیوه تریس معلم، برنامه درسی و جو آموزشی) با توسعه خودباوری تحصیلی در سطح  $P < 0/05$  رابطه معناداری وجود دارد. نیز نتایج پژوهش نشان داد، تلاش تحصیلی، رابطه بین شیوه‌های تربیتی و عوامل آموزشی را با توسعه خودباوری تحصیلی، میانجی‌گری می‌کند. همچنین نتایج نشان داد، مدل تجربی پژوهش از برازش نسبتاً مطلوبی برخوردار بوده است.

سفاری و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی تحت عنوان خودباوری، انگیزش تحصیلی و عزت‌نفس در دانشجویان، به این نتیجه رسیدند که همبستگی مثبت و معنی داری بین سه متغیر خودباوری، انگیزش تحصیلی و عزت‌نفس یافت گردید.

خاوری و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی تحت عنوان رابطه ویژگی‌های پنج عاملی عزت‌نفس با امیدواری به این نتایج دست یافتند که برون‌گرایی و انعطاف‌پذیری پیش‌بینی کننده شادکامی و امیدواری است و همچنین شادکامی پیش‌بینی کننده امیدواری است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که عزت‌نفس و امیدواری از جمله عوامل مؤثر بر شادکامی است. امیدواری توانائی باور یک احساس بهتر نسبت به آینده است که قادر است نیروی تازه در ارگانسیم ایجاد کرده و فرد را بسوی سطح بالائی از عملکردهای روانی و رفتاری سوق دهد. لذا امیدواری هنگامی نیرومند تلقی می‌شود که اهداف ارزشمندی چون دستیابی به شادکامی را در بر گیرد.

سلیمانی نقندر و سعادت‌ی شامیر (۱۳۹۷)، با هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه شادکامی و عزت‌نفس با رشد اجتماعی در دانش‌آموزان ابتدایی مدارس دولتی شهر مشهد بود. از جامعه آماری مذکور نمونه‌ای شامل ۴۰۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای مرحله‌ای انتخاب شدند. برای سنجش متغیرهای مورد مطالعه از پرسشنامه عزت‌نفس کوپر اسمیت (کوپراسمیت، ۱۹۶۷)، پرسشنامه شادکامی آکسفورد (OHI) و پرسشنامه مهارت اجتماعی ایندریترز و فوستر (۱۹۹۲) استفاده گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره با روش گام به گام استفاده شد. نتایج نشان داد که همبستگی شادکامی و عزت‌نفس با رشد اجتماعی مثبت و معنادار بود. همچنین نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که هر پنج متغیر پیش‌بین (عزت‌نفس اجتماعی، عزت‌نفس، شادکامی، عزت‌نفس کلی و عزت‌نفس خانوادگی) در دانش‌آموزان



ابتدایی مجموع قادرند در حدود ۰/۲۵ از واریانس رشد اجتماعی را تبیین کنند. افراد شادکام و دارای عزت نفس بالا، دارای مهارت‌های اجتماعی بالایی مانند مهارت‌های احساسی و ادراکی، مهارت‌های جایگزین برای پرخاشگری، مهارت‌های مربوط به مواجهه با فشار و مهارت‌های برنامه‌ریزی هستند از این رو این افراد از رشد اجتماعی بالایی نیز برخوردارند.

احمدی و همکاران (۱۳۹۷)، به منظور بررسی عوامل مؤثر بر خودباوری دانش‌آموزان، از ۴۱۰ دانش‌آموز پسر مدارس متوسطه گوگان ۲۰۰ دانش‌آموز به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه‌های ویژگی‌های فردی - خانوادگی، خودباوری (محقق ساخته)، شیوه‌های مقابله‌ای ایندلر و پارکر و ویژگی‌های شخصیتی نئو (NEOFFI) جمع‌آوری شد و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری واریانس یک راهه، همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام نشان داد دانش‌آموزان دارای فعالیت‌های ورزشی و هنری و برنامه‌ریزی منظم از خودباوری بالاتری در مقایسه با دانش‌آموزان فاقد فعالیت‌های ورزشی و هنری و برنامه‌ریزی برخوردارند. همچنین نتایج نشان داد به غیر از اعضای خانواده، رابطه دیگر متغیرها (شیوه‌های تربیتی، شیوه‌های مقابله، دلپذیر بودن، برون‌گرایی، پیشرفت تحصیلی، میزان تحصیلات والدین و درآمد) با خودباوری معنی‌دار می‌باشد و در بین متغیرهای مورد بررسی متغیرهای تعداد اعضای خانواده و میزان مطالعه متغیرهای پیش‌بینی کننده در مدل رگرسیون نبودند.

#### - پیشینه خارجی

کالداس و ریلی (۲۰۲۳) به بررسی تأثیر واسطه‌ای خودباوری و منبع کنترل در رابطه بین عزت نفس و عملکرد تحصیلی درس ریاضی پرداختند. با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری، این مطالعه نشان داد که مهارت خواندن قبلی با یادگیری مشارکتی گزارش شده کودکان که به نوبه خود با فراگیری زبان انگلیسی (ELA)<sup>۱</sup> و پیشرفت ریاضی همراه بود، در ۵۲۶ دانش‌آموز کلاس سوم ارتباط معنی داری داشت. دانشجویان منطقه متروپولیتن شهر نیویورک پرسشنامه منبع کنترل برای کودکان را تکمیل کردند که میانگین مشارکت آن‌ها را اندازه می‌گرفت. کنترل در یادگیری و وضعیت اقتصادی اجتماعی در سطح کودک و مدرسه، نمرات ارزیابی پیشرفت خواندن (DRA)<sup>۲</sup> با منبع کنترل ارتباط مستقیمی داشت که به نوبه خود ارتباط متوسطی با کنونی ELA و یک ارتباط قوی با پیشرفت ریاضیات. مدارس باید راه‌هایی را برای افزایش یادگیری مشارکتی دانش‌آموزان در کلاس در نظر بگیرند.

دیر و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۲۳) به بررسی تأثیر مثبت انگیزش در عزت نفس، خودباوری و پیشرفت تحصیلی پرداختند. احساسات مثبت باعث لذت و افزایش فعالیت‌های لذت بخش بالقوه می‌شود زیرا اعتقاد بر این است که احساسات مثبت می‌تواند بر انگیزه تحصیلی تأثیر بگذارد، زیرا وظایف مهم‌تر انگیزه بیشتری دارند. به طور کلی، ۴ گروه از دانش‌آموزان انتخاب شده‌اند. در ۳ گروه القاء تأثیر مثبت، گروه اول یک فیلم طنز را تماشا کردند، گروه دوم یک هدیه دریافت کردند و گروه سوم به شوخی گوش

<sup>۱</sup> English Language Acquisition

<sup>۲</sup> Deliberation read advancement

<sup>۳</sup> Dir et al

دادند، در حالی که گروه کنترل هیچ تغییری دریافت نکرد. مجدداً انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و انگیزه آن‌ها در عزت‌نفس و خودباوری مورد آزمایش قرار گرفت. نتایج نشان داد که القای تأثیر مثبت باعث افزایش انگیزه پیشرفت تحصیلی پسران شده است اما هیچ تأثیری بر دختران نداشته است.

لیمبوسکی<sup>۱</sup> (۲۰۲۲)، در پژوهش خود نشان داد که آموزش خودباوری بر عزت‌نفس و کیفیت زندگی دانش‌آموزان تأثیر دارد و باعث افزایش عزت‌نفس و کیفیت زندگی در آن‌ها می‌شود؛ بنابراین توجه به شادکامی می‌تواند نقش مهمی در افزایش جنبه‌های مثبت زندگی دانش‌آموزان داشته باشد. دیر و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۲) به بررسی عزت‌نفس و پیشرفت تحصیلی پرداختند. ما رابطه بین عزت‌نفس و پیشرفت تحصیلی را در یک نمونه از نوجوانان بررسی کردیم، در حالی که وضعیت اقتصادی و جنسیت (SES)<sup>۳</sup> را محاسبه می‌کردیم. مواد و روش‌ها: ما داده‌های مربوط به گروهی از ۲۷۱ دانش‌آموز دبیرستانی بودند، مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم. یافته‌ها حاکی از آن بود که مشارکت یادگیری در سال اول، پیشرفت تحصیلی را به زبان انگلیسی ( $P > 0.05$ ) و ریاضیات ( $P > 0.05$ ) در سال دوم پیش بینی کرد، در حالی که پیشرفت تحصیلی را در سال اول کنترل می‌کند. در هر دو مورد نسبت به سایر متغیرهای مستقل و متغیرهای متغیر در مدل، مشارکت یادگیری تقریباً ۷٪ واریانس اضافی را در متغیرهای نتایج توضیح می‌دهد. ما همچنین برای شرکت کنندگان که والدین با برخی از دانشکده‌ها برخلاف والدین فاقد تجربه کالج، بین مشارکت یادگیری و نمرات به زبان انگلیسی رابطه مثبت داشتند یافتیم ( $p < 0.05$ ) اما برای ریاضیات نیست. نتیجه‌گیری: عزت‌نفس با پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت دارد اما هنگام مقایسه دانش‌آموزان از نظر جنس و تحصیلات والدین، این رابطه متفاوت است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که ارتباط بین عزت‌نفس و پیشرفت تحصیلی ممکن است تحت تأثیر SES باشد و مربوط به رابطه جنسی باشد.

زمبیلایس<sup>۴</sup> (۲۰۲۱)، در پژوهش خود با عنوان تأثیر منبع کنترل و خودباوری بر نیازهای اساسی روانشناختی دانش‌آموزان به این نتیجه دست یافت که منبع کنترل و خودباوری اثر مثبتی بر نیاز به خودمختاری و ارتباط و شایستگی دارد. به‌طور کلی یافته‌های پژوهش از نظریه‌ی خودتعیین‌گری حمایت کردند و نشان دادند که محیط‌های حامی خودمختاری و اثر مثبتی بر برآورده شدن نیازهای روانشناختی اساسی دارند.

باربر<sup>۵</sup> (۲۰۲۱)، پژوهش خود با عنوان تأثیر عزت‌نفس بر مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان به این نتیجه دست یافتند که آموزش با استفاده از روش تدریس تفحص گروهی بر رشد افزایش عزت‌نفس دانش‌آموزان به‌طور کلی و مؤلفه‌ی مهارت اجتماعی مناسب، رفتار غیراجتماعی، پرخاشگری و رفتار تکانشی، برتری طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن و رابطه با همسالان تأثیر

<sup>۱</sup> Limberský

<sup>۲</sup> Dir et al

<sup>۳</sup> sexual economic situation

<sup>۴</sup> Isenbarger & Zembylas

<sup>۵</sup> Barber

داشته و سبب بهبود این مؤلفه‌ها شده است. لذا این پژوهش استفاده از الگوهای اجتماعی همچون روش تدریس تفحص گروهی را به منظور بهبود مهارت‌های اجتماعی پیشنهاد می‌کند. خان<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی رابطه بین خودباوری، عزت‌نفس و عملکرد تحصیلی پرداخت و به این نتایج دست یافت که بین خودباوری و عملکرد تحصیلی رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش او نشان داد که بین عزت‌نفس با عملکرد تحصیلی و خودباوری رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

بریج و لد<sup>۲</sup> (۲۰۲۰)، پژوهش خود با عنوان تأثیر عزت‌نفس بر مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان به این نتیجه دست یافتند که آموزش با استفاده از روش تدریس تفحص گروهی بر رشد افزایش عزت‌نفس دانش‌آموزان به‌طورکلی و مؤلفه‌ی مهارت اجتماعی مناسب، رفتار غیراجتماعی، پرخاشگری و رفتار تکانشی، برتری طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن و رابطه با همسالان تأثیر داشته و سبب بهبود این مؤلفه‌ها شده است. لذا این پژوهش استفاده از الگوهای اجتماعی همچون روش تدریس تفحص گروهی را به منظور بهبود مهارت‌های اجتماعی پیشنهاد می‌کند.

بایمستر<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۲۰)، بیان کردند، افراد باعزت‌نفس بالا از راهبردهای خودتنظیمی سازگارتری نسبت به افراد باعزت‌نفس پایین استفاده می‌کنند. این افراد برای جلوگیری از ایجاد خلل در توانایی‌شان، پاسخ‌های مؤثرتری به شکست می‌دهند که این امر به نوبه خود منجر به گزارش سطوح بالاتری از شادی در آن‌ها می‌شود. همچنین با توجه به پژوهش‌ها انجام گرفته عزت‌نفس با راهبردهای مقابله‌ای مثبت و سازنده، انگیزش بالا و عاطفه مثبت رابطه دارد.

با مطالعات پیشینه پژوهش و مرور ادبیات پژوهش مشخص شد پژوهش‌های بسیاری در حیطه موضوعی روابط بین عزت‌نفس و خودباوری دانش‌آموزان انجام شده است. این پژوهش‌ها در مقاطع مختلف تحصیلی و مدارس مختلف که همگی نتایج تقریباً همسو داشته‌اند، صورت گرفته است. اما در هیچ کدام از این پژوهش‌ها به شناسایی عوامل اثرگذار در عزت‌نفس و خودباوری دانش‌آموزان ابتدایی توجهی نشده است. نوآوری پژوهش حاضر در بررسی و شناسایی عوامل اثرگذار در عزت‌نفس و خودباوری دانش‌آموزان ابتدایی تحت عوامل گوناگون قرار می‌گیرد، شناسایی و کشف این بستر گسترده و متنوع مؤثر در رشد اجتماعی و پرورش شخصیت آنان جهت کنترل و هدفمند کردن آن ضروری است. بنابراین میزان و تنوع کاربرد تدریس را برای این قشر فعال نیز باید مورد ارزیابی قرار گیرد تا میزان اثرگذاری این تجارب شناخته شده، تحت نظارت قرار گیرد. در واقع تخصصی کار کردن در خصوص شناسایی عوامل اثرگذار در عزت‌نفس و خودباوری دانش‌آموزان ابتدایی در پژوهش پیش‌رو به نوعی موجب تمایز این کار با سایر کارها می‌باشد.

<sup>۱</sup> Khan

<sup>۲</sup> Brich & Ladd

<sup>۳</sup> Baumeister

## روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی-از نظر داده‌ها کیفی؛ به عبارتی مجموعه فعالیت‌هایی (چون مشاهده، مصاحبه و شرکت گسترده در فعالیت‌های پژوهشی) است، که هرکدام به‌نحوی محقق را در کسب اطلاعات دست اول، درباره‌ی موضوع مورد پژوهش یاری می‌دهند. بدین ترتیب، از اطلاعات جمع‌آوری شده، توصیف‌های تحلیلی، ادراکی و طبقه‌بندی شده حاصل می‌شو دو از نظر ماهیت و نوع مطالعه داده بنیاد نوظهور است. معمولاً این روش برای بررسی تعاملات انسانی، زمینه‌یابی رفتارها و آشکارسازی فرآیندهای اجتماعی نهفته‌ای که پیش از این به تفصیل بررسی نشده‌اند، توصیه می‌شود. این روش شناسی، اجازه می‌دهد تا از تجربه واقعی اما نسبتاً مبهم سوژه‌ها، حول یک علاقه مشترک، به گونه استقرائی، تبیین‌های تازه‌ای استنتاج شود. در واقع نظریه داده بنیاد، فرآیندی برای تعمیم نتایج حاصل از یک مشاهده خاص به نظریه‌ای منسجم‌تر است. با لحاظ همین منطقی، سعی شد سوژه‌هایی هدف قرارگیرند که بیشترین تجربه و تخصص را در مورد مسأله محوری پژوهش داشته باشند.

جامعه مورد پرسش را خبرگان این حوزه که دارای مدرک تحصیلی دکتری تخصصی در رشته علوم تربیتی و مدیریت آموزشی هستند و جامعه آماری مورد پژوهش حاضر دانش‌آموزان ابتدایی بودند، تشکیل دادند.

**روش تعیین حجم نمونه:** روش تعیین حجم نمونه در پژوهش‌های کیفی رسیدن به اشباع نظری می‌باشد. منظور از اشباع نظری قضاوتی است که پژوهشگر بر اساس آن تصمیم می‌گیرد که نیاز به جمع‌آوری اطلاعات بیشتر وجود ندارد و اطلاعات جدیدی که به تعریف خصوصیات طبقات کمک کند به پژوهش وارد نمی‌شود. در پژوهش حاضر با ۱۲ نفر به اشباع نظری رسیدیم.

ابزار سنجش پژوهش حاضر را یک فرم مصاحبه نیمه ساختاریافته تشکیل می‌دهد. فرم مذکور به مدد مطالعه ملی و جهانی و مصاحبه با خبرگان به دست آمده است. فرم ذکر شده ۱۲ مؤلفه و ۷۸ شاخص که در فرآیند مصاحبه با خبرگان به ۱۴ مؤلفه و ۸۵ شاخص تبدیل شد.

اعتبار و روایی ابزار سنجش پژوهش حاضر به مدد اجماع سه سویه (اجماع داده‌ها: چون از منابع متعدد و افراد متعدد و محیط‌های متعدد در زمان‌های متعدد استفاده شده است)، اجماع پژوهشگران (از پژوهشگران و اساتید متعدد خبره در زمینه پژوهش حاضر استفاده شده)، اجماع تئوری‌ها (چون از تحلیل‌ها و تفسیرهای مختلف استفاده شده) و اجماع روش شناسی (چون از روش مصاحبه و بررسی اسناد استفاده شده) این حوزه بدست آمده است.

کدگذاری باز در روش نظریه زمینه‌ای روندی است که در آن مفاهیم شناسایی می‌شوند و برحسب خصوصیات و ابعادشان گسترش می‌یابند. روش‌های تحلیلی اساسی که به آن وسیله این کار انجام می‌شود، عبارت است از: سؤال کردن درباره داده‌ها، مقایسه موارد، حوادث و دیگر حالت‌های پدیده‌ها.

کدگذاری باز: در این مرحله پژوهشگر بر اساس مطالعات ملی، جهانی و شاخص‌های عزت‌نفس و خودباوری را استخراج خواهد کرد.

هدف از کدگذاری محوری ایجاد رابطه بین مقوله‌های تولید شده (در مرحله کدگذاری باز) است. این عمل معمولاً بر اساس الگوی پارادایمی انجام می‌شود و به نظریه‌پرداز کمک می‌کند تا فرایند نظریه‌پردازی را به سهولت انجام دهد. اساس ارتباط دهی در کدگذاری محوری بر بسط و گسترش یکی از مقوله‌ها قرار دارد.

کدگذاری محوری: در این مرحله پژوهشگر شاخص‌های مرحله‌ی اول (کدگذاری باز) را در قالب مؤلفه‌هایی طبقه‌بندی می‌کند.

کدگذاری انتخابی<sup>۱</sup>: عبارت است از فرآیند انتخاب دسته‌بندی اصلی، مرتبط کردن نظام‌مند آن با دیگر دسته‌بندی‌ها، تأیید اعتبار این روابط، و تکمیل دسته‌بندی‌هایی که نیاز به اصلاح و توسعه بیشتری دارند. کدگذاری انتخابی بر اساس نتایج کدگذاری باز و کدگذاری محوری، مرحله اصلی نظریه‌پردازی است.

کدگذاری انتخابی: در این مرحله به کمک خبرگان مؤلفه‌ها و شاخص‌های عزت‌نفس و خودباوری را نهایی می‌کند.

تجزیه و تحلیل پژوهش حاضر برای پاسخ به این سؤال که عوامل اثرگذار در عزت‌نفس و خودباوری دانش‌آموزان ابتدایی کدامند؟

باتوجه به اینکه روش پژوهش آن از نوع کیفی است در سه بخش زیر انجام گرفته است:

ابتدا برای پاسخ به این پرسش که عوامل اثرگذار در عزت‌نفس و خودباوری دانش‌آموزان ابتدایی کدامند؟ به مدد خبرگان دو سؤال زیر مطرح و پس از اشباع نظر خبرگان پاسخ دریافت شد.

- شاخص‌های اثرگذار در عزت‌نفس و خودباوری دانش‌آموزان ابتدایی کدامند؟

- اولویت‌بندی مؤلفه‌های اثرگذار در عزت‌نفس و خودباوری دانش‌آموزان ابتدایی کدامند؟

تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر در طی سه مرحله زیر به دست آمد. بنابراین برای پاسخ به این سؤال که عوامل اثرگذار در عزت‌نفس و خودباوری دانش‌آموزان ابتدایی کدامند؟ کدگذاری باز انجام شد که چگونگی انجام این مرحله به شرح زیر می‌باشد:

سؤال اصلی: عوامل اثرگذار در عزت‌نفس و خودباوری دانش‌آموزان ابتدایی کدامند؟

در این مرحله پژوهشگر از طریق مطالعه الگوها، تئوری‌ها، پژوهش‌ها، اسناد، مدارک مربوط و به مدد مصاحبه با خبرگان این حوزه ۸۵ شاخص احصا نمود که به شرح زیر است:

## کدگذاری انتخابی

در این مرحله بعد از اینکه نظرات خبرگان جمع آوری و رسیدن به اشباع نظری در مورد مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و اولویت آن‌ها برای عوامل اثرگذار در عزت‌نفس و خودباوری دانش‌آموزان ابتدایی نتیجه نهایی به شرح زیر می‌باشد.

## جدول ۱- کدگذاری انتخابی

<sup>۱</sup> Selective coding

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها
۱. ارائه سطحی از کمک که با سطح رشد و امکانات دانش‌آموز هماهنگ است.	هدایت‌گری / ارائه
۲. کنترل رفتار دانش‌آموز با استفاده از استدلال، درخواست مؤدبانه، نظرات مثبت و پیشنهادات	سرنخ‌های هدایت کننده ( ) نه مداخله)
۳. با دانش‌آموزان درباره چگونگی انجام مسئولیت‌هایشان صحبت می‌کنند.	
۴. با دانش‌آموزان مدارا می‌کنند و درباره این که چه چیزی درست و چه چیزی غلط است صحبت می‌کنند.	
۵. دادن بازخورد مناسب و به موقع	ارائه بازخورد
۶. حواس‌پرتی به جای استفاده از تهدید، مداخله‌های فیزیکی سخت و اظهارات منفی	
۷. بازخورد اطلاعاتی می‌دهند.	
۸. تشویق دانش‌آموزان به خاطر تلاش برای حل مشکلات خودشان	
۹. علاقه به پیشرفت و ترقی دانش‌آموزان و نشان دادن آن با تحسین درست	
۱۰. تشویق صحیح ابتکار	
۱۱. تمرکز بر روش انجام کار به جای نتیجه	فرآیندگرایی
۱۲. رفتار گرم و صمیمی و توأم با تشویق	
۱۳. رابطه مبتنی بر گرمی، مراقبت و حمایت	
۱۴. ارتباط مثبت و صمیمی	
۱۵. ایجاد محیط گرم و دلسوزانه	
۱۶. دموکراتیک و خونگرم	
۱۷. گرما و استحکام زیاد	
۱۸. حضور کامل و درگیری	اختصاص زمان
۱۹. مشارکت در فعالیت‌های مشترک	برای در کنار هم بودن
۲۰. در دسترس بودن برای صحبت کردن با دانش‌آموز	
۲۱. اختصاص زمان برای دانش‌آموزان	
۲۲. حساس بودن به نیازهای دانش‌آموزان	حمایت
۲۳. مراقبت و حمایت	
۲۴. پاسخگو و خونگرم	
۲۵. همدلی با نگرانی‌های دانش‌آموزان	همدلی
۲۶. همدلی و حق انتخاب دادن	

۲۷. رفتار همدلانه نسبت به نیازها و اهداف دانش‌آموزان	
۲۸. ایجاد امنیت خاطر	امنیت
۲۹. شناخت و حذف موانع ارتباطی	
۳۰. صبور بودن	

در گام سوم، با استفاده از فرآیند کدگذاری نظری (مرحله نهایی کدگذاری در نظریه داده‌بنیاد) عوامل اثرگذار در عزت‌نفس و خودباوری دانش‌آموزان ابتدایی ارائه شد. در این مرحله نظریه‌پرداز داده‌بنیاد بر حسب فهم خود از متن پدیده مطالعه شده و بر اساس روابط مستتر در بین مقوله‌های موجود در مدل نظریه خود را پیرامون پدیده محوری ارائه می‌دهد و در انتها به ۸۵ شاخص و ۱۴ مؤلفه (عدم اجبار و کنترل دانش‌آموزان، اعتماد و پذیرش دانش‌آموزان، دادن فرصت انتخاب و تصمیم‌گیری، استفاده از مهارت‌های ارتباطی دموکراسی محور (گفت‌وگو، مذاکره، تبادل نظر توضیح و تبیین نظرات)، تقویت اقداماتی جهت مهارت‌های تفکر سطح بالا مانند استدلال، منطق و تفکر، فراهم کردن فرصت و امکانات، تشکیل ساختار و ارائه قوانین شفاف، هدایت‌گری/ ارائه سرنخ‌های هدایت‌کننده (نه مداخله)، ارائه بازخورد، فرآیندگرایی، اختصاص زمان برای در کنار هم بودن، حمایت، همدلی و امنیت) در موضوع شناسایی عوامل اثرگذار در عزت‌نفس و خودباوری دانش‌آموزان ابتدایی رسیدیم.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در سال‌های اولیه زندگی رفتار کودک تحت تأثیر خانواده است و هر آنچه کودک در این سال‌ها شاهد آن است بر اعتقادات او تأثیر می‌گذارد مقایسه کودک با دیگر کودکان همچنین تعریف و تمجید از ویژگی‌های یک کودک دیگر می‌تواند بر احساس فرد از خود تأثیرگذار باشد. جرج مید نتیجه گرفت عزت‌نفس و خودباوری بر اثر انعکاس ارزیابی دیگران بوجود می‌آید و از طرفی نظریات دیگران در مورد شخص درونی می‌شود و عزت‌نفس و خودباوری او را شکل می‌دهد. بنابراین توصیف گروه همسالان، اجتماع و خانواده تأثیر مهمی بر عزت‌نفس و خودباوری فرد دارند. اگر چه عزت‌نفس و خودباوری عاملی درونی و روانی در فرد است و از اجزاء تشکیل دهنده سلامت روان به شمار می‌رود، ولی خود از عوامل متعدد درونی و بیرونی ناشی می‌شود. با نظر احساس رضایت از خود، شناسایی نگرش فرد در مورد خود می‌تواند منجر به ارتقاء بهداشت روانی آنان گردد و با ارائه آموزش‌های مناسب، عزت‌نفس و خودباوری و بهداشت روانی را ارتقاء داده و از بروز احتمال در تصویر ذهنی نوجوانان پیشگیری نمود. عدم رضایت از توانایی تأثیر منفی بر عزت‌نفس و خودباوری خواهد گذاشت. با توجه به یافته‌های پژوهش و نتایج سایر پژوهش‌ها انجام شده در این زمینه و اهمیت سنین نوجوانی لزوم توجه به مشکلات نوجوانان بیشتر مشخص می‌شود.

دانش‌آموزان با ورود به محیط مدرسه با چالش‌های فردی و بین فردی جدید و متنوعی روبه‌رو می‌شوند. این چالش‌ها نیاز به ساختن روابط جدید را ایجاب می‌کند تا از این طریق دانش‌آموزان روابط

خارج از اعضای خانواده و والدین را بشناسند و عادت‌های یادگیری را برای محیط تحصیلی گسترش دهند. نقش واکنش جبران در احساس حقارت‌ها با اهمیت است و در بعد زیستی جهت سرپوش گذاردن بر نارسایی و احساس نارضایتی به کاربرده می‌شود تا ارگانیزم به تعادل جدید و با ثباتی برسد. هر زندگی نیازمند جهان‌بینی خاص و چشم‌انداز کلی و طرح خاصی است که انسان‌ها از طریق ارتباط با فرد، جامعه و آموزش و پرورش به آن دست می‌یابند. با وجود مطالعاتی که از یافته‌های بین‌المللی و ارزشیابی‌های آن‌ها به دست آمده است، میزان آشنایی دانش‌آموزان با مفاهیم اصلی عزت‌نفس و خودباوری از درک و فهم کمی برخوردار است. بخصوص در کشورهای در حال توسعه و بسیاری از اختلالات روانی و عاطفی و مشکلات تربیتی نشأت گرفته از سه عامل مهم عدم مهارت‌های ارتباطی، حرمت و عزت‌نفس و خودباوری پائین و عدم توانایی و ابراز احساسات در زندگی فردی و اجتماعی است. جهت تبیین می‌توان گفت افراد دارای عزت‌نفس و خودباوری بیشتر، در برابر مسائل زندگی و مشکلات مقاومت بیشتری کرده، در نتیجه احتمال موفقیتشان بیشتر است. نتایج مطالعات نشان داده است که دانش‌آموزانی با عزت‌نفس و خودباوری بالاتر، از رویکرد مطالعه و یادگیری مناسب استفاده می‌کنند و در تحصیل موفق‌تر هستند. بنابراین عزت‌نفس و خودباوری می‌تواند بسیاری از نارسایی‌های احتمالی در محیط‌های آموزشی و یا حتی کاستی در انگیزش تحصیلی و سلامت روانی را که تأثیر مطلوبی بر عملکرد تحصیلی فرد دارد، تعدیل جبران کند. خود ارزشمندی بر این اساس تکیه دارد که مردم با توجه به تجارب فردی و اجتماعی خود، در می‌یابند که موقعیت‌های زندگی چگونه وضعیت‌هایی برای موفقیت یا شکست آن‌ها فراهم می‌کنند. با توجه به تجارب موجود در زندگی هر آنقدر مردم قدر، منزلت، ارزش و بهاء خود را بهتر بدانند، به همان نسبت اعتماد به خویشتن آن‌ها افزوده شده و در نهایت از عزت‌نفس بالایی برخوردار خواهند بود. قدردانی از خود و بهادادن به خویشتن از مصادیق مهم نظریه خود ارزشمندی است که موجب شکل‌گیری عزت‌نفس و خودباوری می‌شود و بر اساس مطالعات انجام شده، عملکرد موفقیت تحصیلی سبب افزایش عزت‌نفس و خودباوری می‌شود. تربیت یا آموزش و پرورش، با رشد و تکامل، رابطه تنگاتنگی دارد؛ یعنی رشد و تکامل، باعث ظهور استعدادها می‌شود آموزش و پرورش آن‌ها را تحقق می‌بخشد و جهت می‌دهد. انسان ناگزیر است اجتماعی زندگی کند و زندگی اجتماعی سالم، بدون تربیت صحیح غیرممکن است. فرهنگ انسان، محصول و نتیجه‌ی تربیت یا آموزش و پرورش است و بین کیفیت فرهنگ هر جامعه و کیفیت تربیت آن، ارتباط مستقیم وجود دارد. برخورداری از شخصیت سالم و در نتیجه احساس آرامش و امنیت خاطر بدون تربیت سودمند امکان ندارد. نظام آموزش و پرورش را عناصر مختلفی تشکیل می‌دهند. همه‌ی صاحب‌نظران و متفکرین، معلم را به عنوان اصلی‌ترین و موثرترین عنصر این نظام تعریف می‌کنند، معلم کارگزار اصلی تعلیم و تربیت و روح نظام آموزشی هر کشور است و با کوشش خردمندانه‌ی اوست که اهداف متعالی نظام آموزشی کشور محقق می‌شود. آنچه کودکان، نوجوانان و جوانان در مدرسه کسب می‌کنند، متأثر از خصوصیات، کیفیات، شایستگی‌های علمی، فرهنگی، دینی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی معلمان است. اساساً امکان تربیت آدمی در گرو اصول شناخته شده‌ای است که آشنایی و رعایت آن‌ها توسط معلمان، موفقیت نظام تربیتی را تضمین



می‌کند، اصولی که راهنمای کلیه اعمال و فعالیت‌های معلمان قرار گرفته، علم و هنر تکنیک‌های تربیت را مهیا ساخته و همه جوانب گوناگون رشد و تعالی انسان را به هر سمت و سویی سوق می‌دهد، بنابراین اگر معلم از اصول تعلیم و تربیت شناخت دقیق و علمی داشته باشد، قوی‌تر و دقیق‌تر می‌تواند در ایجاد وضعیت مطلوب یادگیری فعالیت کند.

با توجه به این مطالب می‌توان اذعان داشت که اساسی‌ترین عامل برای ایجاد موقعیت مطلوب در تحقق اهداف آموزشی، معلم است. اوست که می‌تواند حتی نقص کتاب‌های درسی و امکانات آموزشی را جبران کند یا برعکس بهترین موقعیت را با عدم توانایی خود به محیطی غیر فعال و غیرجذاب تبدیل کند. اطلاعات معلم و در واقع کل شخصیت معلم در ایجاد شرایط یادگیری و تغییر و تحول شاگرد تأثیر می‌گذارد. معلم مسئول تمام افرادیست که زیردست او تربیت می‌شوند. در واقع رفتار معلم تأثیر بسزایی بر رفتار و خلق و خوی دانش‌آموزان خواهد داشت. همانطور که می‌دانید افراد زیادی در سیستم‌های آموزشی مشغول به کار هستند که فعالیت هایشان به طور مستقیم و غیرمستقیم بر تربیت دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد، اما در این بین معلم نقش برجسته‌تری دارد. رابطه‌ای که دانش‌آموز با معلم دارد رابطه‌ای باطنی و معنوی است. هر دانش‌آموز در محیط خانواده رفتارهایی آموخته و شخصیت او تا حدودی شکل گرفته است، اما هنوز شکل ثابتی ندارد و انعطاف پذیر و قابل تغییر می‌باشد. دانش‌آموز در هنگام الگوسازی، فرآیند ارتباطی عمیق و نوعی همانندسازی را با معلم شروع می‌کند. در این فرآیند، معلم در شکل‌گیری شخصیت، باورها، ارزش‌ها و خواسته‌های دانش‌آموز در جهت معیارهای عزت‌نفس و خودباوری نقش مفید و قابل توجهی دارد، ولی اگر دانش‌آموزی بدون تحلیل و بررسی، که فرصت آن کمتر به دست می‌آید، الگوپذیری کند، رشد عزت‌نفس و خودباوری دچار اشکال می‌گردد. اگر دانش‌آموز مفاهیم عزت‌نفس و خودباوری را که در کلاس می‌آموزد، در رفتار معلم و شیوه‌ی عمل و منش وی مشاهده کند، نه تنها او را به منزله‌ی یک الگو استفاده می‌کند؛ بلکه برای پایداری شناختی، عاطفی و شخصیتی خود نیز بهره می‌گیرد، ولی اگر دانش‌آموز آموخته‌های خود را در معلم نبیند، دچار ناهماهنگی و تضاد شناختی و ارزشی می‌شود؛ بنابراین ضروری است که معلم به مثابه در دسترس‌ترین الگوی تربیتی، نقش خود را برای دانش‌آموز ایفا کند. نقش الگویی مربی، در تربیت دانش‌آموزان بر هیچ کس پوشیده نیست. تماس نزدیک مربی با دانش‌آموزان و نفوذی که بر آنان دارد، نقش مهمی در سلامت فکری و روانی ایشان ایفا می‌کند. این تأثیر و نفوذ ممکن است به طور مستقیم یا غیر مستقیم صورت پذیرد و به شیوه‌های گوناگون مثل تقلید، الگوسازی و گاهی اوقات همانندسازی بروز کند. در جامعه‌ی امروز مدرسه از جایگاه مهمی در تربیت دانش‌آموزان برخوردار است و می‌تواند فعالیت خود را در این زمینه در جهت مثبت و یا منفی به انجام برساند. معلم، برنامه درسی و گروه دوستان و هم کلاسی‌ها در عزت‌نفس و خودباوری و مذهبی و عبادی نقش دارند.

نتیجه کلی این جستار حاکی از آن است که در عزت‌نفس و خودباوری دانش‌آموزان عوامل مختلفی موثر است که از این میان می‌توان به نقش معلم و مدرسه که در این راستا مسئولیتی خطیر و نقش اساسی و بنیادین بر عهده دارند، اشاره کرد. عزت‌نفس و خودباوری دانش‌آموزان باید مورد بازنگری

قرار گرفته و با شناخت و مهار عوامل مخل و آسیب‌زا آن را در مسیر درست هدایت نمود و از آنجا که همگان بر این نکته اتفاق نظر دارند که مدرسه یکی از مؤسسات اجتماعی و تربیت‌پذیر نمودن افراد است، عزت‌نفس و خودباوری دانش‌آموزان در جهت صحیح و درست می‌تواند یکی از وظایف نهاد مدرسه باشد؛ بنابراین این امر ضرورت می‌یابد که بررسی فرآیند عزت‌نفس و خودباوری دانش‌آموزان و نقش مدرسه در تکوین این فرآیند پرداخته شود. عزت‌نفس و خودباوری زمانی به ثمر می‌رسد که تدوین یک برنامه آموزش و پرورش بر اساس تعیین هدف‌های متناسب با سطوح تحول روان‌شناختی مخاطبان باشد. و زمانی آموزش عزت‌نفس و خودباوری در مدارس اثربخش خواهد بود که با ترغیب انگیزشی در خانه از سوی والدین هماهنگ و همسو باشد در غیر این صورت دانش‌آموز دچار تعارض شده و بدون درونی شدن مفاهیم دینی در او، رشد شناختی وی دچار تأخیر خواهد شد. به‌طور کلی مؤلفه‌های عزت‌نفس و خودباوری به‌عنوان مهارت‌های مطلوب در واکنش به کاستی‌هایی که در فرآیند سازنده دانش‌آموزان در حال حاضر وجود دارد و با هدف چرخش از فرآیند تدریس صرف ارزش‌ها به مؤلفه‌های عزت‌نفس و خودباوری طراحی شده است. از طرف دیگر برای دستیابی به اهداف عزت‌نفس و خودباوری باید از همه ظرفیت‌های مدرسه البته در هماهنگی و هارمونی باهم استفاده گردد. به همین دلیل باید از محدود کردن حلقه یادگیری به سطح کلاس درس و انحصار مسئولیت عزت‌نفس و خودباوری به شخص معلم برحذر بود. از این‌رو پیشنهاد می‌کند که برای شناسایی عوامل اثرگذار بر عزت‌نفس و خودباوری باید از پتانسیل همه حلقه‌های یادگیری موجود در یک برنامه درسی مانند دیسپلین‌محوری و ظرفیت تلفیق خرد در سطح سایر دروس و تلفیق کلان با کل مدرسه بهره برد. برای دستیابی به این مهم نیاز است تا همه افرادی که به‌نوعی در فرآیند عوامل اثرگذار بر عزت‌نفس و خودباوری به‌صورت صریح یا ضمنی درگیر هستند اهمیت این ساحت از یادگیری و نسبت آن با سایر ساحت‌های تربیت را درک کرده و با وظایف و مأموریت‌های خود در این خصوص آشنا باشند. از این‌رو برنامه رشد حرفه‌ای منابع انسانی البته با تأکید بر معلم، جزء لاینفک این برنامه درسی خواهد بود.

## منابع

### منابع فارسی

- ۱- احدی، حسن؛ اسدزاده، حسن؛ حاتمی، حمیدرضا (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر بهبود عزت‌نفس و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه، روانشناسی تربیتی، شماره ۳۰.
- ۲- احمدی، عزت‌اله، گروسی فرشی، میرتقی، و شیخ علی زاده، سیاوش. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر خودباوری دانش‌آموزان. پژوهش‌های نوین روانشناختی (روانشناسی دانشگاه تبریز)، ۱(۲-۳)، ۱۱-۳۱.
- ۳- اسلامی نسب، محمد. (۱۴۰۰) " بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه شهر شوش دانیال(ع) "فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، ۲(۲)، ۲۰-۷.
- ۴- اوجی مغاللو، حیدر؛ فیض‌الله قربانی و حبیب جهانگیری (۱۳۹۶). "بررسی رابطه عزت‌نفس با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان"، اولین کنگره علمی پژوهشی سراسری توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه‌شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی ایران، تهران، انجمن علمی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
- ۵- ایروانی، جواد و عمادی، علی. (۱۳۹۷). واکاوی چارچوب و شاخصه‌های اعتماد به نفس در پرتو آموزه‌های قرآنی. آموزه‌های قرآنی، ۱(۱۸)، ۵۰-۲۵.
- ۶- بابائی، رضا؛ البرزی، شهلا و سیف، دیبا (۱۳۹۹). بررسی رابطه باورهای انگیزشی، راهبردهای یادگیری و برخی از عوامل جمعیتی با پیشرفت تحصیلی گروهی از دانشجویان علوم انسانی در درس آمار، مجله‌ی علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز، دوره نوزدهم، شماره اول، (پیاپی ۳۷)، زمستان، صص ۸۲-۷۳.
- ۷- بادپا، خالد و ملازهی، محسن و امیری نسب، محمدصادق و جنتاک، ساجده (۱۴۰۲). تاثیر عزت نفس بر میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، شانزدهمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، مشاوره و علوم تربیتی
- ۸- براندن، ن. (۱۳۹۷). روانشناسی عزت‌نفس (ترجمه‌ی مهدی قراچه‌داغی). تهران: نخستین.
- ۹- بهارلو، فیروزه، و هاشمی، سیده آمنه (۱۴۰۰). راهکارهای عملی افزایش اعتماد به نفس در کودکان. پژوهشنامه اورمزد، ۴۷ (ضمیمه شماره ۲)، ۱۷۰-۱۵۰.
- ۱۰- ثناگوی محرز، محمد حسین و صبوحال، احمد و اسدپور، صفورا و اسدی کلاکی، فاطمه (۱۳۹۶). عزت نفس دانش‌آموزان و ارائه راهکارهای جهت تقویت آن، سومین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در تعلیم و تربیت، روانشناسی، فقه و حقوق و علوم اجتماعی، شیروان
- ۱۱- زاده محمدی، علی؛ نوری پورلیاوی، رقیه؛ دسترس، مجید (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر ارتقاء عزت‌نفس و رضایت زناشویی معنادان در حال ترک، اعتیاد پژوهی، بهار ۱۳۹۶، سال هشتم، شماره ۲۹

- ۱۲- زارع، حسین و نهروانیان، پروانه (۱۴۰۰). فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، اثر آموزش تفکر انتقادی بر سبک‌های حل مساله و یادگیری خودراهبر دانشجویان، دوره ۱۹، شماره ۲، ۹۶-۸۵.
- ۱۳- زینلی‌پور، حسین؛ زارعی، اقبال و زندی‌نیا، زهره (۱۳۹۸). خودکارآمدی عمومی و تحصیلی دانش آموزان شهر بندرعباس و ارتباط آن با عملکرد تحصیلی، مطالعات روانشناسی تربیتی، دوره ۶، شماره ۹، شماره پیاپی ۹، ۲۸-۱۳.
- ۱۴- جاهدی، فرود، یوسفی، علیرضا، نعمت بخش، مهدی، چنگیز، طاهره و مردانی، محمد (۱۴۰۰). مهارت های تفکر انتقادی دانشجویان علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در مواجهه با متون علمی، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، دوره ۵، شماره ۲.
- ۱۵- حدادزاده، محسن (۱۳۹۹). کمال گرایی و عزت‌نفس در نخبگان علمی، ورزشی و افراد غیرنخبه در شهر تهران، دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، ۱۲-۱۴۷، ۴۱.
- ۱۶- حسینی، عبدالسلام. (۱۴۰۱). مقایسه‌ی میزان عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در برنامه‌ی ارزشیابی کیفی و توصیفی و ارزشیابی سنتی. *نوآوری های آموزشی*، ۱۳(۱)، ۱۲۴-۱۰۸.
- حسینی، داوود. (۱۳۹۹). عوامل مهم و مؤثر در تعبیه یک سیستم ارزشیابی آموزشی یا در طرح یک برنامه جامع ارزشیابی، نشریه دانشگده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، شماره سوم، صص ۴۷-۳۳.
- ۱۷- حکیمی، ایمان (۱۳۹۹). بررسی تأثیر رابطه رهبر- عضو بر حسادت و رفتارهای کاری انحرافی: نقش تعدیل‌گر ادراک از عدالت سازمانی، عزت‌نفس و روان‌رنجوری، مطالعات رفتار سازمانی، شماره ۳۳، صص ۲۹-۵۵.
- ۱۸- حمید، نجمه؛ الماسی، محمد؛ مهرابی زاده هنرمند، مهناز. (۱۳۹۹). تأثیر آموزش مهارت‌های فردی- اجتماعی بر خودباوری و مخاطره پذیری دانش‌آموزان پسر پایه اول دوره متوسطه. *فصلنامه علمی روشها و مدل‌های روانشناختی*، ۹(۳۱)، ۱۲۰-۹۷.
- ۱۹- حیدری، عباس و محسن کوشان (۱۴۰۰). بررسی منبع کنترل و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان پرستاری، اسرار، مجله دانشگده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار، سال نهم، شماره ۳.
- ۲۰- خوجم لی، محمدصفا و آقچه لی، نجیبه و سیدمختومی، مصطفی (۱۴۰۲). عزت نفس دانش آموزان و ارائه راهکارهای جهت تقویت آن، چهاردهمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران.
- ۲۱- سلیمان‌نژاد، مسعود (۱۳۹۹). مقایسه‌ی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان محبوب و منزوی، *مجله دانش و پژوهش در علوم تربیتی دانشگاه آزاد خوراسگان*، شماره ۲۴، صص ۱۳۰-۱۱۹.

- ۲۲- سپهریان آذر، قاسم. (۱۳۹۵). رابطه بین خودباوری، درونگرایی و برونگرایی و منبع کنترل با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع راهنمایی شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان.
- ۲۳- سعادت، طاهره (۱۴۰۱). **بررسی میزان اثربخشی طرح ارزشیابی توصیفی در پایه‌های اول، دوم و سوم ابتدایی و مقایسه آن با ارزشیابی کمی در استان چهارمحال و بختیاری سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴**. چهارمحال و بختیاری: شورای پژوهش‌ها آموزشی سازمان آموزش و پرورش.
- ۲۴- سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۶). روانشناسی پرورشی نو. روانشناسی آموزش و یادگیری. تهران: نشر دوران.
- ۲۵- شریفی درآمدی، پرویز. (۱۳۹۴). تأثیر آموزش سبک حل مسئله بر میزان عزت‌نفس دانش‌آموزان ۱۲ تا ۱۳ ساله دارای مشکلات رفتاری ارتباطی در دوره راهنمایی تحصیلی. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۹، صص، ۶۳-۳۸.
- ۲۶- شکاری، فرزانه (۱۳۹۱). بررسی رابطه خودباوری و انگیزش در مدارس تیزهوشان تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پردیس قم.
- ۲۷- شمس، فاطمه، تابع‌بردار، فریبا. (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای خودباوری در رابطی بین جهت‌گیری هدف و عملکرد ریاضی. روش‌ها و مدل‌های روانشناختی، سال اول، شماره سوم صص ۹۶-۸۳.
- ۲۸- صفدری ده چشمه، فرانک و همکاران (۱۴۰۰). عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی دانشجویان از نظر دانشجویان و اساتید دانشکده‌ی پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد. مجله‌ی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، دوره‌ی نهم، شماره‌ی ۳، پاییز، صص ۷۷-۷۱.
- ۲۹- طرقي، پرویز؛ حیدری، علیرضا؛ ستایش نیا، الهه؛ (۱۳۹۹). مقایسه‌ی میزان عزت‌نفس، افسردگی و پرخاشگری نوجوانان با توجه به سطوح پر اشتهايي روانی، اندیشه و رفتار، ۴، ۱۳، ۱۶-۷.
- ۳۰- عباسی اصل، محمدسعید؛ مهram، بهروز؛ ایرانلو، زهرا؛ (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین ابعاد کمال‌گرایی و اضطراب پنهان در دانشجویان، پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره، ۱(۱)، ۴۷-۵۸.
- ۳۱- علیزاده صحرايي، ام هانی؛ خسروی، زهره؛ بشارت، محمدعلی؛ (۱۳۹۴). رابطه کارآیی خانواده با کمال‌گرایی مثبت در دانش‌آموزان شهر نوشهر، فصلنامه خانواده پژوهی، ۵(۱۷)، ۲۱-۱۰.
- ۳۲- عزیزى، ام هانی؛ خسروی، زهره؛ بشارت، محمدعلی؛ (۱۴۰۱). رابطه کارآیی خانواده با کمال‌گرایی مثبت در دانش‌آموزان شهر نوشهر، فصلنامه خانواده پژوهی، ۵(۱۷)، ۲۱-۱۰.
- ۳۳- فیروزبخت، سمیرا، جوکار، بهرام، فولادچنگ، محبوبه، حسین چاری، مسعود، و فضیلت پور، مسعود (۱۴۰۰). طراحی بسته آموزشی رشد عزت نفس بهینه مبتنی بر ذهن آگاهی و تاثیر آن بر کاهش خشم و نشخوار خشم. راهبردهای آموزش (راهبردهای آموزش در علوم پزشکی)، ۱۲(۵)، ۹۹-۱۱۰.

- ۳۴- قاید امینی هارونی، عباس؛ صادقی ده چشمه، مهرداد؛ مالکی فارسانی، غلام رضا (۱۴۰۰). اثرات عزت نفس، خوش بینی و کنترل ادراک شده بر رضایت شغلی و تمایل به ترک خدمت از طریق گشودگی به تغییرات سازمانی، مطالعات رهبری فرهنگی، شماره ۷، صص ۳ - ۲۶.
- ۳۵- غفاری، معصومه (۱۳۹۷). رابطه عزت نفس با اهمالکاری و خودکارآمدی در کارمندان سازمان جهاد کشاورزی شهر زاهدان. پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان - دانشکده ادبیات و علوم.
- ۳۶- لواسانی، محبوبه (۱۴۰۰). رابطه حمایت ادراک شده معلم در افزایش عزت و نفس و خودباوری دانش آموزان. نشریه مدیریت فرهنگی دانشگاه تهران، ۲(۹)، ۹۱ - ۱۱۸.
- ۳۷- مرادی، اعظم؛ و رضایی دهنوی، صدیقه. (۱۳۹۹). بررسی مقایسه‌ای اثربخشی آموزش های گروهی عزت نفس، خودکارآمدی و انگیزش پیشرفت بر عزت نفس زنان با معلولیت جسمی - حرکتی اصفهان، فصلنامه‌ی روانشناسی افراد استثنایی، ۲(۵)، ۶۵ - ۹۷.
- ۳۸- مشایخ، مهسا؛ محسنی چلک، محمد حسین؛ صلاحی کجور، عظیم (۱۴۰۱). چرایی عزت نفس در کودکان و نوجوانان و راه های تقویت آن، پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، شماره ۳۴، صص ۵۸ - ۶۹.
- ۳۹- منصوری سپهر، روح الله؛ خداپناهی، محمدکریم؛ و حیدری، محمود. (۱۳۹۹). ناهماهنگی شناختی: تأثیر تمرکز بر خود بر تعدیل کنندگی عزت نفس در تغییر نگرش. فصلنامه‌ی روانشناسی کاربردی، ۶(۲)، ۲۵ - ۴۰.
- ۴۰- منظری توکلی، علیرضا؛ و کهندل، مریم. (۱۳۹۹). بررسی رابطه‌ی دینداری و عزت نفس دانش آموزان دختر دوره‌ی متوسطه‌ی ناحیه‌ی دو شهر کرمان. فصلنامه‌ی پژوهشگران فرهنگ. سال نهم (۲۸)، ۹۹ - ۱۲۲.
- ۴۱- ناطقیان، شهرزاد؛ شاه نظری، مهدی (۱۴۰۰). پیش بینی عزت نفس دانشجویان بر اساس سبک های دلبستگی و سبک های هویت، علوم رفتاری (ابهر)، شماره ۴۷، صص ۱۱۵ - ۱۳۴.
- ۴۲- نوربخش، علی (۱۳۹۴). روانشناسی دانش آموزی و مدرسه، چاپ دهم، تهران: نشر جنگل جاودانه.
- ۴۳- نوذری، سمیه؛ چقماقی یزدی، مریم؛ نوذری، فریبرز؛ شمسیان، محمد (۱۳۹۹). اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر عزت نفس در بیماران مبتلا به ویتیلیگو، روانشناسی و علوم رفتاری ایران، شماره ۲۲ (جلد سوم)، صص ۵۲ - ۶۰.
- ۴۴- همایون فر، عبدالحسین (۱۴۰۰)، مبانی عزت نفس در مدرسه، چاپ دوم، تهران: انتشارات رایزن.
- ۴۵- یعقوبی، ابوالقاسم؛ پژوهشگری، حسین؛ عرفانی، نصرالله؛ و مرتضوی، سید علی. (۱۴۰۰). مقایسه‌ی اثربخشی فنون مختلف آموزش خودباوری، تفکر خلاق بر خلاقیت دانش آموزان پایه‌ی اول دوره‌ی متوسطه. فصلنامه‌ی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی. سال اول (۲)، ۱۵۰ - ۱۳۳.

## منابع خارجی

- Agyar, K. H. (۲۰۱۸). Subjective well-being among college students. *Social Indicators Research*, ۶۲-۶۳، ۴۵۵-۴۷۷.
- Ahmadi E, Garousi Farshi MT, Sheikh Alizadeh S. (۲۰۱۶). Investigating the effective factors of students' self-confidence. *Modern psychological research*; ۱(۲-۳): ۱۱-۳۱.
- Akdeniz H, Saytekin GN. (۲۰۲۲). Examination of leadership orientations and self-confidence behaviors of faculty of sport sciences students (Kocaeli University sample). *International Journal of Curriculum and Instruction*; ۱۲(Special): ۲۳۳-۲۵۰.
- Alfano, V., & Guarino, M. (۲۰۲۳). The effect of self-esteem on the spread of a pandemic. A cross-country analysis of the role played by self-esteem in the spread of the COVID-۱۹ pandemic. *Social Science & Medicine*, 324, ۱۱۵۸۶۶.
- Amato, S., & Fowler, J. (۲۰۲۲). *Body mass "عس" Evaluating epidemiological evidence , Body Image: A handbook of theory, research and clinical practice* New York: Guilford Press.
- Babaei M, Fadakar Soghe R, Sheikhol-Eslami F, Kazemnejad Leili E. (۲۰۲۰). Survey self-esteem and its relevant factors among high school students. *Journal of Holistic Nursing and Midwifery*; ۲۵(۳): ۱-۸.
- Baharloo F, Hashemi SA. (۲۰۲۱). Practical solutions to increase self-confidence in children. *Ourmazd Journal*; ۴۷(۲): ۱۵۰-۱۷۰.
- Bani-Melhem, S., Shamsudin, F. M., Abukhait, R., & Al-Hawari, M. A. (۲۰۲۳). Competitive psychological climate as a double-edged sword: A moderated mediation model of organization-based self-esteem, jealousy, and organizational citizenship behaviors. *Journal of Hospitality and Tourism Management*, ۵۴, ۱۳۹-۱۵۱. doi:<https://doi.org/۱۰.۱۰۱۶/j.jhtm.۲۰۲۲.۱۲.۰۱۱>.
- Bas K. (۲۰۲۲). The relationship between classroom management skills and self-confidence of social studies teachers. *International Journal of Education and Literacy Studies*; ۷(۴): ۶۲-۶۸.
- Bhat, R., & Rajashree, P. (۲۰۱۷). Discriminant validity of neo-pirfacet scales. *Educational and psychological measurement*, (۵۲), ۲۲۹-۲۳۶.
- Borrigo, C. B. C. (۲۰۱۹). Views about getting older as predictors to self-esteem of professionals nearing retirement. *Enfermería Clínica*, ۲۹, ۶۳-۶۶. doi:<https://doi.org/۱۰.۱۰۱۶/j.0۰۰۰۰۰۰۰.۲۰۱۸.۱۱.۰۲۱>
- Cha, K. H. (۲۰۲۱). *Subjective well-being among college students*. *Social Indicators Research*, ۶۲-۶۳، ۴۵۵-۴۷۷.

- Chen, Y., & Gao, Q. (۲۰۲۳). Effects of social media self-efficacy on informational use, loneliness, and self-esteem of older adults. *International Journal of Human-Computer Interaction*, 39(۵), ۱۱۲۱-۱۱۳۳.
- Cichocka, A., Marchlewska, M., & Cislak, A. (۲۰۲۳). Self-Worth and Politics: The Distinctive Roles of Self-Esteem and Narcissism. *Political Psychology*.
- Cingel, D. P., Carter, M. C., & Krause, H. V. (۲۰۲۲). Social media and self-esteem. *Current Opinion in Psychology*, ۱۰۱۳۰۴.
- Colburn MD, Harris E, Lehmann C, Widdice LE, Klein MD. (۲۰۲۲). Adolescent depression curriculum impact on pediatric residents' knowledge and confidence to diagnose and manage depression. *Journal of Adolescent Health*; ۶۶(۲): ۲۴۰-۲۴۶.
- Ding Z, Chen X, Dong Y, Herrera F. (۲۰۲۲). Consensus reaching in social network DeGroot Model: The roles of the Self-confidence and node degree. *Information Sciences*; ۴۸۶: ۶۲-۷۲.
- Earl, S. R. (۲۰۲۳). Global and appearance-contingent self-esteem: Associations with health and attractiveness exercise reasons. *Psychology of Sport and Exercise*, ۶۵, ۱۰۲۳۴۵. doi:<https://doi.org/10.1016/j.psychsport.2022.102345>.
- Firoozbakht S, Jowkar B, Fouladchang M, Hoseinchari M, Fazilatpoor M. (۲۰۲۱). Development of an instructional package of optimal self-esteem based on mindfulness and its effectiveness on reducing anger and anger rumination. *Journal of Education Strategies in Medical Sciences*; ۱۲(۵): ۹۹-۱۱۰.
- Gandhi S, Glaman R, Yeager J, Smith M. (۲۰۲۲). Evaluation of anxiety and self-confidence among baccalaureate nursing students post pandemic simulation exercise. *Clinical Simulation in Nursing*; ۵۶(۳): ۹۱-۹۸.
- García, J. A., y Olmos, F. C., Matheu, M. L., & Carreño, T. P. (۲۰۱۹). Self esteem levels vs global scores on the Rosenberg self-esteem scale. *Heliyon*, ۵(۳), e۰۱۳۷۸. doi:<https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2019.e01378>
- Halpern M. (۲۰۲۲). The effect of life skills training on self-believe and risk taking of first high school male students. *Psychological Methods and Models*; ۹(۳۱): ۱۹۱-۲۰۲.
- Hank, P., & Baltes-Götz, B. (۲۰۱۹). The stability of self-esteem variability: A real-time assessment. *Journal of Research in Personality*, ۷۹, ۱۴۳-۱۵۰. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jrp.2019.03.004>



- Harter, S. (۲۰۱۹). *The development of self-representations during childhood and adolescence*. In M. R. Leary and J.P. Tangney, *Handbook of self and identity* (pp. ۶۱۰-۶۴۲). New York: The Guilford Press.
- Herron EK, Powers K, Mullen L, Burkhart B. (۲۰۲۱). Effect of case study versus video simulation on nursing students' satisfaction, self-confidence, and knowledge: A quasi-experimental study. *Nurse Education Today*; ۷۹: ۱۲۹-۱۳۴.
- Irvani J, Emadi A. (۲۰۲۱). Analysis of the framework and indicators of self-confidence in the light of Quranic teachings. *Journal of Quranic teachings*; ۱۸: ۲۵-۵۰.
- Kahng SK, Mowbray C. (۲۰۲۰). Factors influencing self-esteem among individuals with severe mental illness: Implications for social work. *Social Work Research*; ۲۸(۴): ۲۲۵-۲۳۶.
- Kim KJ, Wee SJ, Gilbert BB. (۲۰۲۱). Opening a window to foster children's self-confidence through creative art activities. *Dimensions of Early Childhood*; ۴۵(۲): ۴-۱۲.
- Kim, H. S., & Moore, M. T. (۲۰۱۹). Symptoms of depression and the discrepancy between implicit and explicit self-esteem. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, ۶۳, ۱-۵. doi:<https://doi.org/۱۰.۱۰۱۶/j.jbtep.۲۰۱۸.۱۲.۰۰۱>
- Lee, J. Y., Patel, M., & Scior, K. (۲۰۲۳). Self-esteem and its relationship with depression and anxiety in adults with intellectual disabilities: a systematic literature review. *Journal of Intellectual Disability Research*.
- Shoomer M, AB. (۲۰۲۰). Improving self-esteem and building self-confidence in adolescent mothers: Implementation of self-efficacy-focused activity sessions. *Journal of Psychosocial Nursing and Mental Health Services*; ۵۷(۸): ۱۱-۱۵.
- Lipman, Matthew (۲۰۲۲). *Thinking in Education*, New York: Cambridge University Press.
- Mashayekh M, Mohseni Chelak MH, Salahi Kojour A. (۲۰۲۲). Why self-esteem in children and adolescents and ways to strengthen it. *Journal of Recent Advances in Psychology, Educational Sciences and Education*; ۴(۳۴): ۵۸-۶۹.
- McGrane B, Belton S, Powell D, Woods CB, Issartel J. (۲۰۲۰). Physical self-confidence levels of adolescents: Scale reliability and validity. *Journal of Science and Medicine in Sport*; ۱۹(۷): ۵۶۳-۶۵۷.
- Norman SL, Taha AA. (۲۰۲۱). Delirium knowledge, self-confidence, and attitude in pediatric intensive care nurses. *Journal of Pediatric Nursing*; ۴۶: ۶-۱۱.

- Parker, T. F., Benson, T., (۲۰۲۲). *Body image: A handbook of theory, research and clinical practice* New York: Guilford Press.
- Pinar SE, Yildirim G, Sayin N. (۲۰۲۲). Investigating the psychological resilience, self-confidence and problem-solving skills of midwife candidates. *Nurse Education Today*; ۶۴: ۱۴۴-۱۴۹.
- Pitt,t ,U., Robins, R. W., & Meier, L. L. (۲۰۲۲).Disentangling the Effects of Low Self- Esteem and Stressful Events on Depression: Findings From Three Longitudinal Studies. *Journal of Personality and Social Psychology*, ۹۷ (۲), ۳۰۷-۳۲۱. [DOI:۱۰,۱۰۳۷/a۰۰,۱۰۶۴۵]
- Rosenberg,M.(۱۹۶۵).*Society & the adolescent self- image*.Princeton ,nJ: Princeton University.
- Ruzansky, A. S., & Harrison, M. A. (۲۰۱۹). Swinging high or low? Measuring self-esteem in swingers. *The Social Science Journal*, ۵۶(۱), ۳۰-۳۷. <https://doi.org/10.1016/j.sso.2018.10.006>.
- Sandter, H., & Franck , T. S., (۲۰۲۲). *Psychometric properties of the Minnesota Eating Behavior Survey in Canadian university women*. *Canadian Journal of Behavioural Science*, ۳۹, ۲, ۱۵۱-۱۵۹.
- Sharour LA. (۲۰۲۱). Improving oncology nurses' knowledge, self-confidence, and self-efficacy in nutritional assessment and counseling for patients with cancer: A quasi-experimental design. *Nutrition*; ۶۲: ۱۳۱-۱۳۴.
- Smith, E.E., Nolen-Hoeksema, S., Fredrickson, B., & Loftus, G.(۲۰۲۲). *Atkinson and Hilgard's introduction to psychology*. (۱۴th ed). New York: Wadsworth Publ.
- Supervía, P. U., Bordás, C. S., Robres, A. Q., Blasco, R. L., & Cosculluela, C. L. (۲۰۲۳). Empathy, self-esteem and satisfaction with life in adolescent. *Children and Youth Services Review*, ۱۴۴, ۱۰۶۷۵۵. doi:[https://doi.org/10,۱۰۱۶/j.childyouth.۲۰۲۲,۱۰۶۷۵۵](https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2022.106755)